



پیدایش حقوق بشر

تاریخچه و شرح اعلامیه جهانی

کانون مدافعان حقوق بشر



کانون مدافعان حقوق بشر

<http://humanrights-ir.org>

info@humanrights-ir.org

فهرست

- ۱.....مقدمه
- ۲.....بخش اول: چرا باید حقوق بشر را آموزشش دهیم؟
- ۴.....بخش دوم: خاستگاه حقوق بشر.....
- ۶.....بخش سوم: اعلامیه جهانی حقوق بشر.....
- ۹.....بخش چهارم: تکامل حقوق بشر.....
- ۱۱.....بخش پنجم: سازوکار پاسخگویی دولت‌ها.....
- ۱۳.....چگونگی تعریف حقوق بشر: آزادی بیان من یا آزادی بیان تو؟
- ۱۵.....ماده ۱ (برابری).....
- ۱۸.....ماده ۲ (عدم تبعیض).....
- ۲۱.....ماده ۳ (حیات، آزادی و امنیت).....
- ۲۳.....ماده ۴ (رهایی از بردگی).....
- ۲۶.....ماده ۵ (منع شکنجه).....
- ۲۹.....ماده ۶ (به رسمیت شناخته شدن در برابر قانون).....
- ۳۲.....ماده ۷ (تساوی در برابر قانون).....
- ۳۵.....ماده ۸ (دسترسی به عدالت).....
- ۳۷.....ماده ۹ (منبع بازداشت خودسرانه).....
- ۳۹.....ماده ۱۰ (دادگاه عمومی منصفانه).....
- ۴۳.....ماده ۱۱ (فرض بر بی‌گناهی).....
- ۴۵.....ماده ۱۲ (حریم خصوصی).....
- ۴۸.....ماده ۱۳ (آزادی رفت و آمد).....
- ۵۰.....ماده ۱۴ (پناهندگی).....
- ۵۳.....ماده ۱۵ (تابعیت).....
- ۵۵.....ماده ۱۶ (ازدواج و تشکیل خانواده).....
- ۵۸.....ماده ۱۷ (مالکیت).....
- ۶۰.....ماده ۱۸ (آزادی دین و مذهب).....
- ۶۳.....ماده ۱۹ (آزادی عقیده).....
- ۶۶.....ماده ۲۰ (آزادی تجمعات).....



۶۹.....	ماده ۲۱ (حق مشارکت در امور عمومی)
۷۲.....	ماده ۲۲ (حق تامین اجتماعی)
۷۵.....	ماده ۲۳ (اشتغال)
۷۸	ماده ۲۴ (اوقات فراغت)
۸۱.....	ماده ۲۵ (استانداردهای کافی برای زندگی)
۸۴.....	ماده ۲۶ (آموزش)
۸۷.....	ماده ۲۷ (مشارکت در زندگی فرهنگی)
۹۰.....	ماده ۲۸ (جهان آزاد و عادلانه)
۹۳.....	ماده ۲۹ (مسئولیت ما در جامعه)
۹۶.....	ماده ۳۰ (رهایی از دخالت دولت‌ها یا اشخاص)
۱۰۰.....	منابع



پیش گفتار

تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر نویدی برای آغاز دورانی تازه در تاریخ بشریت بود. ملل دنیا با پشت سر گذاشتن‌های تجربه‌های وحشتناک و سیاه ناشی از دشمنی‌ها و کینه‌های قومی، نژادی و مذهبی به این نتیجه رسیدند که راهی جز به رسمیت شناختن برابری، کرامت و آزادی انسانها به عنوان امری ذاتی وجود ندارد. اعلامیه جهانی حقوق بشر تبلور این آگاهی بشری بود، اما با گذشت بیش از ۷۰ سال از آن زمان همچنان شاهد تکرار فجایع انسانی در سرتاسر این کره خاکی هستیم، از به خاک و خون کشیدن معترضین در ایران و سوریه تا سرکوب و شکنجه در اتیوپی، از به قدرت رسیدن دوباره طالبان در افغانستان تا کشتار مردم در لیبی و یمن، از بی‌پناهی پناهندگان در سراسر دنیا تا تفتیش عقاید و زندانی کردن مسلمانان در چین، ثابت کرده است تا زمانی که حقوق بشر و ارزشهای آن به بخشی از فرهنگ و باورهای جوامع تبدیل نشود، همواره باید انتظار تهدید و نقض حقوق بشر را داشت.

آگاهی عمومی به تاریخچه، چرایی و مفاهیم حقوق بشر منجر به جلوگیری از نقض حقوق بشر از سوی حکومت‌ها با سواستفاده از مفاهیمی مانند امنیت ملی، ملی‌گرایی یا ارزشهای فرهنگی و مذهبی می‌شود. در این مسیر، شناخت ابزارهای بین‌المللی مانند شورای حقوق بشر، نهادهای بین‌المللی مانند عفو بین‌الملل و دیده‌بان حقوق بشر می‌تواند به پاسخگو کردن دولت‌های سرکوبگر نسبت به تعهدهای حقوق بشری و نیز مسوولیت آنها در قبال حفاظت از شهروندان خود بسیار موثر واقع شود.

کانون مدافعان حقوق بشر امیدوار است انتشار کتاب «پیدایش حقوق بشر» که حاصل تالیف و ترجمه این مجموعه است به گسترش آگاهی و ترویج مطالبه‌گری در سطح جامعه یاری رساند. این کتاب به پاس زحمات بی‌دریغ «محمدجعفر پوینده» در ترجمه آثاری در زمینه حقوق بشر، به او تقدیم می‌شود.

رییس کانون مدافعان حقوق بشر

شیرین عبادی



بخش اول: چرا باید حقوق بشر را آموزش بدهیم؟

آموزش پایه‌ای حقوق بشر یکی از اساسی‌ترین مسائل در راستای ترویج و گسترش آن در هر جامعه‌ای است. آموزش حقوق بشر منجر به توسعه‌ی دانش، مهارت‌ها و ارزش‌های حقوقی بشری به منظور دستیابی به هدف والای «پی‌ریزی فرهنگ حقوق بشری در جامعه» است. به بیان دیگر، افراد باید نسبت به مسائل و موضوعات حقوق بشری آگاهی کافی و لازم را داشته باشند و از این طریق ضمن بررسی تجربیات فردی و ادغام این مفاهیم در ارزش‌ها و باورهای خود، سعی کنند در روند تصمیم‌گیری‌های شخصی از آن‌ها بهره‌مند شوند. در ادامه به اختصار این روند را توضیح می‌دهیم.

ارزش‌ها	مهارت	دانش
یادگیری از طریق حقوق بشر	یادگیری برای حقوق بشر	یادگیری درباره‌ی حقوق بشر
ایجاد نگرش احترام به حقوق بشر، به شکلی که کسی حقوق دیگری را نقض نکند.	توسعه‌ی مهارت‌ها و توانایی‌های لازم برای دفاع از حقوق بشر:	ترویج آگاهی و فهم مسائل حقوق بشری، به صورتی که توانایی تشخیص نقض حقوق بشر برای مردم مقدور شود:
۱. احساس مسئولیت برای اعمال خود، تعهد به رشد شخصی و تغییر اجتماعی.	۱. گوش دادن و ارتباط فعال: توانایی گوش دادن به دیدگاه‌های مختلف، دفاع از حقوق خود و دیگران.	۱. باور به اینکه تمام انسان‌ها به صورت ذاتی و از بدو تولد از حقوق بیان شده در اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر برخوردار هستند.
۲. کنجکاوی، ذهن باز و استقبال از تنوع.	۲. تفکر انتقادی: پیدا کردن اطلاعات مربوطه، ارزیابی شواهد	۲. مفاهیم اساسی شامل: آزادی، عدالت، برابری، کرامت انسانی،
۳. همدلی و همبستگی با دیگران، و تعهد به حمایت از کسانی که	نهفته، آگاه شدن از پیش‌تعریف‌ها	دموکراسی، پایداری، فقر،



<p>حقوق بشر آن‌ها در معرض تهدید قرار گرفته است.</p> <p>۴. حس کرامت ذاتی انسانی؛ صرف نظر از تفاوت‌های اجتماعی، فرهنگی، زبانی، یا مذهبی.</p> <p>۵. احساس عدالت، میل به کار در راستای آرمان‌های آزادی، برابری و احترام به تنوع.</p>	<p>و تعصبات، و تصمیم‌گیری بر اساس قضاوت منطقی.</p> <p>۳. توانایی همکاری و برخورد مثبت با هرگونه تعارض.</p> <p>۴. توانایی شرکت در گروه‌های اجتماعی و سازماندهی آن‌ها.</p> <p>۵. اقدام برای ترویج و حفظ حقوق بشر در سطح محلی و جهانی.</p>	<p>جهان‌شمولی، حقوق، وابستگی متقابل، همبستگی، و صلح.</p> <p>۳. ایده‌ی اینکه حقوق بشر چارچوبی برای گفتگو و توافق در مورد استانداردهای رفتاری در خانواده، مدرسه، جامعه و جهان فراهم می‌آورد.</p> <p>۴. وابستگی متقابل حقوق سیاسی/مدنی با حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی.</p> <p>۵. شناسایی علل ریشه‌ای مسائل/نگرانی‌های حقوق بشری.</p> <p>۶. فهم مفاهیم حقوق بشری در بستر زمانی خود.</p>
--	---	--

اما اصلاً «حقوق بشر» چیست؟ در این کتاب سعی شده تا با زبانی ساده، کاربردی و البته به صورت مختصر، به تشریح حقوق بشر برای تمام مخاطبان پرداخته شود. در ادامه نیز «اعلامیه جهانی حقوق بشر» به تفکیک هر ماده مورد بررسی قرار می‌گیرد.



بخش دوم: خاستگاه حقوق بشر

اینجا بد نیست به چند پرسش مهم که معمولاً بیش‌تر از همه مطرح می‌شوند پاسخ دهیم. اینکه حقوق بشر از کجا آمده و به کجا منتهی می‌شود؟ آیا بر اساس آنچه که ادعا می‌شود، حقوق بشر امری غربی است؟ یا اینکه ارزش‌های حقوق بشری کاملاً از آموزه‌های اسلامی الگوبرداری شده‌اند؟ اجازه بدهید برای یافتن پاسخ به اولین قانون‌گذاری انجام شده در تاریخ برگردیم. «حمورابی» که در حدود ۱۸۰۰ سال پیش از میلاد مسیح در منطقه‌ی بابل حکمرانی می‌کرد، به عنوان «پدر قانون‌گذاری» شناخته می‌شود. او اولین شخصیت مانده در تاریخ است که اقدام به قانون‌گذاری کرده و در واقع حقوق و تکالیفی را برای مردم معین کرد. پس از آن، مهم‌ترین سند حقوق بشری دوران باستان فرمانی از شاهنشاه ایران معروف به «استوانه‌ی کوروش کبیر» است که در سال ۵۳۹ پیش از میلاد و هنگام فتح بابل صادر شده. در این فرمان حق آزادی، امنیت، رواداری مذهبی، آزادی رفت و آمد، منع بردگی و بعضی از حقوق اجتماعی و اقتصادی مردم به رسمیت شناخته شده. در دوران اسلامی نیز شاید بتوان مهم‌ترین سندی که بر حقوق و تکالیف متقابل شهروندان و حاکمان تاکید دارد را در میان نامه‌های حضرت علی - که تحت عنوان «نهج‌البلاغه» گردآوری شده - یافت.

با گذشت زمان، پیشرفته شدن جوامع و تلاش مردم برای پی‌گیری هرچه بیش‌تر حقوق و خواسته‌های خود از حاکمان، منجر به تکامل هرچه بیش‌تر اسناد مربوط به حقوق بشر شد. مثلاً در قرن ۱۳ میلادی سند «ماگنا کارتا» تلاشی از سوی اقشار مرفه جامعه انگلستان بود برای محدود کردن اختیارات پادشاه. اما در قرن ۱۷ میلادی «امانوئل کانت» فیلسوف انگلیسی، نظریه‌ای را گسترش داد که تاثیر شگرفی در روند قانون‌گذاری‌های پس از خود داشت. او معتقد بود «انسان‌ها به صرف انسان بودن از یک سری حقوق و مزایا بهره‌مند هستند، و نه به واسطه‌ی حکومت و قوانینی که حکومت وضع می‌کند». این نظریه با عنوان «حقوق طبیعی» شهرت یافت و سنگ بنای بسیاری از انقلاب‌ها و تحولات اجتماعی پس از خود به حساب می‌آید. در ادامه و طی انقلاب سال ۱۷۸۹ فرانسه، اعلامیه‌ی «حقوق بشر و شهروند» بر اساس خاستگاه طبیعی و ذاتی حقوق انسان‌ها برای آن‌ها حق آزادی، مالکیت، امنیت و مقاومت در برابر ظلم و ستم را به رسمیت شناخت. در اوایل قرن ۱۹ نیز دولت‌های انگلستان و فرانسه «برده‌داری» را غیرقانونی اعلام کردند و طی قراردادی در پاریس، مبارزه با هرگونه قاچاق برده را به امضا رساندند. این توافق‌نامه آغازی برای لغو تدریجی یکی از غیرانسانی‌ترین روابط بشری در سراسر جهان بود.



تاسیس «سازمان جهانی کار» و «جامعه ملل» (the League of Nations) و نیز تصویب منشور «سازمان ملل متحد» (the United Nations) از دستاوردهای قرن بیستم و در راستای بهبود شرایط زندگی بشر مبتنی بر کرامت، برابری و عدالت بوده است. اما شاید منسجم‌ترین تلاش در این راستا، مربوط به «اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر» باشد که طی ۳۰ ماده و در تاریخ ۱۰ دسامبر سال ۱۹۴۸ (۱۹ آذر ۱۳۲۷) از سوی مجمع عمومی سازمان ملل متحد به تصویب رسید. این اعلامیه در واقع واکنشی به فجایع رخ داده طی جنگ جهانی دوم و تلاش جدی دولت‌ها به منظور جلوگیری از تکرار آن در آینده بود. گرچه اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر به عنوان «سند حقوقی الزام‌آور» برای دولت‌های امضاکننده‌ی آن به شمار نمی‌آید و دولت‌ها از لحاظ قانونی موظف به اجرای آن نیستند، اما به واسطه‌ی جایگاه بین‌المللی که این سند پیدا کرده و عملاً از آن تاریخ تا به امروز به عنوان معیاری برای قانون‌گذاری و حتی تدوین قوانین اساسی کشورها به رسمیت شناخته شده، به صورت بخشی جدایی‌ناپذیر از روابط دولت‌ها و ملت‌ها در آمده است.

جالب است بدانید اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر با رای مثبت اکثریت کشورها، بدون رای منفی و تنها با رای ممتنع ۸ کشور: شوروی، جمهوری سوسیالیستی شوروی اوکراین، جمهوری سوسیالیستی بلاروس شوروی، جمهوری فدرال سوسیالیستی یوگسلاوی، جمهوری خلق لهستان، چکسلواکی، عربستان سعودی، و اتحادیه آفریقای جنوبی به تصویب رسید. با بررسی این سیر تاریخی در می‌یابیم که روند پی‌گیری و پیشرفت حقوق بشر همچنان ادامه دارد. چنان‌که آخرین کنوانسیون جهانی که از سوی سازمان ملل به تصویب رسیده در سال ۲۰۰۶ و مربوط به «حقوق افراد دارای معلولیت» بوده است که اتفاقاً با استقبال کشورهای گوناگون روبه‌رو شد.

در پایان این بخش، پاسخی که می‌توان به سوال‌های مطرح شده در ابتدا بیان کرد این‌که: حقوق بشر نه متعلق به یک دین یا یک کشور و نه حتی یک آموزه‌ی خاص است، بلکه مجموعه‌ای از آموزه‌ها و ارزش‌های مشترک بشری را شامل می‌شود که بر ۳ اصل اساسی «برابری، کرامت و آزادی» انسان‌ها استوار شده است.



بخش سوم: اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر

همان طور که در بخش قبل بیان شد، اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر یکی از بزرگ‌ترین دستاوردهای حقوق بشری طی سده‌ی اخیر به شمار می‌رود؛ به گونه‌ای که حقوق و تکالیف تعیین شده در آن به عنوان قاعده و هنجار بین‌المللی به رسمیت شناخته می‌شود. نگاه کوتاهی به کلیت اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر موضوع را روشن تر می‌کند:

- در مقدمه‌ی اعلامیه، به دلایل تاریخی و اجتماعی برای انتشار آن اشاره می‌شود.
- مواد ۱ و ۲ پایه‌ی اصلی مفاهیم کرامت، آزادی، برابری و برادری را بنا می‌کنند.
- مواد ۳ تا ۱۱ به حقوق فردی دیگر مانند حق زندگی و منع برده‌داری می‌پردازند.
- مواد ۶ تا ۱۱ به اساس قانونی حقوق بشر با تمهیداتی برای دفاع در زمان نقض قوانین، اشاره می‌کنند.
- مواد ۱۲ تا ۱۷ به حقوق فردی در جامعه می‌پردازند (از جمله: مواردی مانند حق آزادی جابجایی و سفر).
- مواد ۱۸ تا ۲۱ به آزادی‌های سیاسی، عمومی و روانی (از جمله: آزادی بیان، اندیشه، نظر، دین، وجدان، و انجمن) می‌پردازند.
- مواد ۲۲ تا ۲۷ بر حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی افراد (از جمله: حق سلامت) تأکید می‌کنند.
- مواد ۲۸ تا ۳۰ نیز به روش استفاده از قوانین اعلام شده و همچنین مواردی که قابل اجرا نیستند، می‌پردازند.

علاوه بر ۳ اصل اساسی «برابری، کرامت و آزادی» که در واقع پایه‌های اصلی اعلامیه جهانی حقوق بشر هستند، «حق بر عدم تبعیض و برابری» (Right to non-discrimination and equality) و عدالت، از دیگر حقوقی هستند که در راستای برخورداری انسان‌ها از حقوق خود نقش بسیار اساسی ایفا می‌کنند.

از آنجایی که هر انسان به صورت ذاتی (یعنی به دلیل انسان بودن، و نه دلایل دیگر مانند مذهب، زبان، نژاد و...) از حقوق بشر برخوردار است، نمی‌توان هیچ انسانی را از برخورداری از آن محروم کرد. البته باید توجه داشت که در بعضی شرایط خاص و به موجب قانون، این حقوق ممکن است محدود یا معلق شوند. مثلاً اگر فردی مرتکب جنایت شود، به موجب حکم دادگاه، آزادی او با زندانی شدن محدود می‌شود. یا در شرایط ویژه در کشور مثل جنگ یا مبارزه با تروریسم،



حکومت‌ها می‌توانند در محدوده‌ی قانون و با اعلان عمومی، بعضی از حقوق را موقتاً و تا پایان آن وضعیت نامعمول معلق کنند (مانند: حق آزادی رفت و آمد).

نکته‌ی مهم دیگر در رابطه با قوانین حقوق بشر اینکه: این حقوق به هم وابسته و مرتبط هستند و نمی‌توان آن‌ها را از هم تفکیک کرد. یعنی برخورداری از یک حق، وابسته به برخورداری از حقوق دیگر است و مثلاً نمی‌توان در یک کشور از حق آزادی بیان برخوردار بود بدون اینکه حق دسترسی عادلانه به قانون و دادگاه برآورده نشده باشد. یا اینکه چطور می‌توان از حق برخورداری از استانداردهای مطلوب برای زندگی (مانند: مسکن مناسب) برخوردار بود وقتی جامعه درگیر تبعیض و نابرابری گسترده است؟

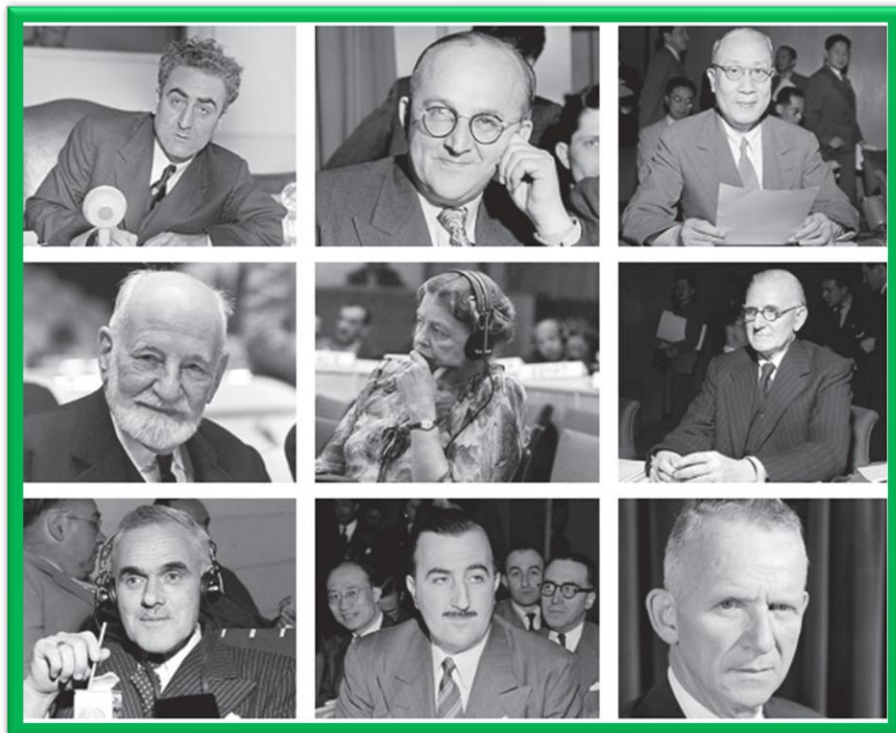
مهم‌ترین نکته در باب حقوق بشر، جهانشمولی آن است. به این معنی که این حقوق به میزان برابر برای تمامی افراد بشر و بدون در نظر گرفتن کشور، زبان، مذهب، نژاد، رنگ و... اعمال می‌شود و به مرور زمان نیز از ارزش آن کاسته نمی‌شود. اما نکته‌ی مهم این است که بعضی افراد «جهانشمولی» را با «یکسانی» اشتباه می‌گیرند. جهانشمولی به این معنی نیست که تمام حقوق عیناً در تمامی جوامع بدون در نظر گرفتن شرایط فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی آن‌ها اجرا شود؛ بلکه هر جامعه‌ای بنا به مقتضیات خود می‌تواند آن حقوق را به گونه‌ای اعمال کند که بیش‌ترین سازگاری و پذیرش را با متغیرهای فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی خود داشته باشد. اما این اعمال حقوق نباید به صورتی باشد که با روح و اهداف اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر در تضاد باشد.

به عنوان مثال: در زمینه‌ی حقوق اقتصادی و حق تامین اجتماعی، کشورهای ثروتمند با سهولت بیش‌تری می‌توانند این حقوق را برای شهروندان‌شان تامین کنند؛ ولی کشورهای فقیر نیازمند یک برنامه‌ی زمانبندی‌شده و تامین بودجه برای فراهم کردن این حق طی یک بازه‌ی زمانی مشخص هستند. در عین حال این کشورها نمی‌توانند به بهانه‌ی کمبود بودجه، از وظیفه تامین آن حق شانه خالی کنند.

نکته‌ی مهم اینکه تامین بعضی حقوق بدون هیچ پیش‌شرط و تحت هر شرایطی ضروری است و هیچ نوع استثنا در زمینه‌ی عدم تامین آن‌ها قابل قبول نیست. مانند: رهایی از برده‌داری و استثمار، منع هرگونه شکنجه، رفتار یا مجازات غیرانسانی یا تحقیرآمیز، و حق به رسمیت شناخته شدن در برابر قانون. به عنوان مثال: دولت یک کشور نمی‌تواند به دلیل آداب و رسوم فرهنگی یا مذهبی رایج میان مردم خود، برده‌داری یا شکل‌های دیگری از آن را ترویج کند یا بروز آن را نادیده بگیرد.



ضمناً باید توجه داشت که حقوق بیان شده در اعلامیه جهانی، حداقل‌های مطلوب برای یک انسان است و کشورها می‌توانند بنا به ظرفیت‌های موجود، برای برآورده کردن نیازهای شهروندان خود ورای این حقوق تلاش کنند.



تدوین‌کنندگان اعلامیه جهانی حقوق بشر: (از چپ به راست): چارلز مالیک، از لبنان، گزارشگر؛ الکساندر بوگومولوو، از اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی؛ دکتر پی. سی. چانگ، از چین؛ رنه کاسین، از فرانسه؛ النور روزولت، از ایالات متحده، رئیس؛ چارلز دوکز، از بریتانیا؛ کلنل ویلیام روی هادسون، نماینده استرالیا؛ هرنان سانتا کروز، از شیلی؛ پروفسور جان پی. همفری، از کانادا، مدیر بخش حقوق بشر سازمان ملل متحد.

بخش چهارم: تکامل حقوق بشر

پس از به تصویب رسیدن اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر در ۱۹ آذرماه سال ۱۳۲۷ (۱۰ دسامبر ۱۹۴۸) در واقع روند قانون گذاری در راستای تبیین حقوق بشر آغاز شد. همان طور که در بخش قبل اشاره کردیم، امضای اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر توسط کشورها به معنی الزام آن‌ها به رعایت مفاد آن نبود. به همین دلیل و به منظور ایجاد تعهد برای اجرای مفاد حقوق بشر و همچنین تعیین حقوق افراد به صورت جزئی و دقیق (خلاف اعلامیه‌ی جهانی که حقوق به صورت کلی بیان شده است)، جامعه‌ی بین‌الملل به سمت تصویب میثاق‌ها و کنوانسیون‌های الزام‌آور حرکت کرد.

میثاق‌های «حقوق مدنی و سیاسی»^۱ و نیز «حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی»^۲ که در سال ۱۳۵۵ (م. ۱۹۷۶) تصویب شدند، از جمله اسناد حقوق بشری هستند که در دیدگاه کلاسیک، نسل‌های اول و دوم حقوق بشر را نمایندگی می‌کنند.

نکته‌ی جالب اینکه هر دوی این میثاق‌ها در سال‌های پیش از انقلاب ۵۷ از سوی دولت ایران به امضا رسیده و پس از تأیید مجلسین بین سال‌های ۵۵-۱۳۵۴ قابلیت اجرایی در کشور پیدا کردند و تاکنون نیز ایران به آن‌ها متعهد بوده است.

نسل‌های سه‌گانه

شاید هنگام مطالعه‌ی کتاب‌ها و متن‌های مربوط به حقوق بشر، با اصطلاح «نسل اول (یا دوم و سوم) حقوق بشر» مواجه شده باشید و برایتان سوال شده که این نسل‌ها به چه معنی هستند؟

در واقع نسل اول که منظور از آن «حقوق مدنی و سیاسی» است، ریشه در مقوله‌ی «آزادی» دارد.

نسل دوم که «حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی» آن را نمایندگی می‌کنند، عموماً بر مفاهیم مبتنی بر «برابری» تأکید می‌کند.

نسل سوم هم که به عنوان «حقوق جمعی» نیز شناخته می‌شود، ریشه و اساس خود را بر مقوله‌ی «برادری و همبستگی» استوار کرده است.

¹ International Covenant on Civil and Political Rights

² International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights



امروزه نقدهای جدی بر تقسیم‌بندی حقوق بشر بر اساس نسل وجود دارد و مهم‌ترین آن‌ها اینکه نسل‌بندی حقوق بشر این معنی را به ذهن متبادر می‌کند که یک نسل جایگزین نسل قبلی می‌شود. اما در واقع این‌طور نیست و حقوق بشر به صورت پیوسته و برابر و مکمل یکدیگر هستند و در شرایط عادی نمی‌توان یک حق را مقدم و جدا از هر حق دیگر تلقی کرد.

اگر بخواهیم به صورت مصداقی بگوییم که هر کدام از میثاق‌ها (یا نسل‌ها) شامل چه حقوقی می‌شوند، می‌توان به این موارد اشاره کرد:

- **حقوق مدنی:** حق حیات، حق رهایی از شکنجه و هرگونه رفتار تحقیرآمیز، حق آزادی فردی، حریم خصوصی و دادگاه عادلانه، آزادی اندیشه، مذهب، بیان، اطلاعات و رفت و آمد داخل کشور.
- **حقوق سیاسی:** آزادی تجمعات و گردهمایی‌ها، حق رای‌دادن و مشارکت در امور عمومی و خدمات.
- **حقوق اقتصادی:** (که به عنوان حقوق کارگران نیز شناخته می‌شوند) حق برخورداری از کار مناسب، حق تشکیل یا پیوستن به اتحادیه‌ی کارگری، حق دریافت مزد عادلانه، شرایط کاری ایمن و بهداشتی، حق اعتصاب.
- **حقوق اجتماعی:** حق برخورداری از استانداردهای کافی برای زندگی، مسکن و غذای مناسب و کافی، حق برخورداری از بالاترین استانداردهای بهداشتی در دسترس، حق بر آموزش و تامین اجتماعی.
- **حقوق فرهنگی:** حق برخورداری از فرهنگ شخصی و مشارکت در زندگی فرهنگی در یک جامعه.
- **حقوق جمعی:** حق تعیین سرنوشت، حق بر توسعه.



بخش پنجم: سازوکار پاسخگویی دولت‌ها

با پیشرفت روند قانونگذاری در زمینه‌ی حقوق بشر، کنوانسیون‌ها و معاهده‌های بین‌المللی به تصویب رسید که در زمینه‌ی موضوعات مشخص قانونگذاری می‌کردند. از جمله: کنوانسیون حقوق کودکان، کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان، یا کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت. این کنوانسیون‌ها با توجه به وابسته بودن و پیوستگی تمام حقوق بشر به یکدیگر، شامل همه‌ی نسل‌های حقوق بشری هستند.

همچنین در کنار قانونگذاری در سطح جهانی - که عموماً از سوی سازمان ملل متحد یا سازمان‌های وابسته به آن صورت می‌گیرد- به منظور ارتقای کارایی و پیشبرد اهداف حقوق بشری، بعضی کشورها در سطح منطقه‌ای یا قاره‌ای نیز اقدام به تصویب کنوانسیون‌ها یا معاهده‌هایی کرده‌اند. از جمله می‌توان به «کنوانسیون اروپایی حقوق بشر» اشاره کرد که به منظور حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی در اروپا تصویب شده است. یا: «کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر»، «منشور آفریقایی حقوق بشر و ملت‌ها» و نیز «منشور عربی حقوق بشر» که همگی در منطقه‌ی مورد اشاره و فقط در مورد کشورهایایی که به آن کنوانسیون‌ها پیوسته‌اند دارای صلاحیت و قابلیت اجرایی هستند.

نکته‌ی اساسی که باید همواره مدنظر قرار داد اینکه کشورها فقط در زمینه‌ی معاهدات و قراردادهایی تعهد دارند که آن‌ها را به تصویب خود رسانده‌اند. به عنوان مثال: جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون منع تبعیض علیه زنان نپیوسته است و کشورهای جهان نمی‌توانند ایران را نسبت به مفاد آن پیمان‌نامه متعهد بدانند.

ایران تاکنون و در مجموع، ۵ معاهده‌ی اصلی حقوق بشری را به امضا رسانده است که ۳ مورد آن در زمان حکومت پهلوی و ۲ مورد دیگر پس از انقلاب ۱۳۵۷ بوده است. به غیر از میثاقین «حقوق مدنی و سیاسی» و «حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی»، همچنین «کنوانسیون بین‌المللی محو تمامی اشکال تبعیض نژادی» در سال ۱۳۴۷ به تصویب رسیده است. «کنوانسیون حقوق کودک» و «کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت» نیز در سال‌های ۱۳۷۳ و ۱۳۸۸ به تصویب رسیده است.

پس از پیوستن کشورها به معاهده‌های بین‌المللی، همواره عملکرد و میزان تعهد آن‌ها به مفاد معاهده‌ها توسط کمیته‌های تعریف شده از سوی همان کنوانسیون‌ها مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.



سیستم پی گیری، نظارت و گزارش دهی از مهم ترین ارکان معاهده های بین المللی است. به عنوان مثال: جمهوری اسلامی ایران موظف است در بازه های زمانی مشخص که از سوی کمیته های هر یک از این معاهده ها تعیین شده، گزارش عملکرد خود را در راستای تطابق با استانداردهای بیان شده در این کنوانسیون ها اعلام کند. همچنین در کنار این گزارش ها، شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد که دفتر آن در شهر «ژنو» سوئیس قرار دارد، طی بازه های زمانی مشخص (عموماً ۴ ساله) پرونده ای عملکرد همه ی کشورها در تمام زمینه های حقوق بشری را مورد بررسی قرار می دهد و هر کشور موظف است تا نسبت به عملکرد خود به آن شورا پاسخگو باشد. این روند بررسی در اصطلاح به عنوان «مکانیزم بازبینی دوره ای»^۳ شناخته می شود.



شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد، ژنو

³ UPR (Universal Periodic Review)



چگونگی تعریف حقوق بشر: آزادی بیان من یا آزادی بیان تو؟

پس از مقدمه‌ای کوتاه درباره‌ی چرایی آموزش حقوق بشر، سیر تحول آن و اینکه دولت‌ها چگونه از سوی سازمان‌های بین‌المللی به رعایت استانداردهای حقوق بشری موظف می‌شوند؛ در ادامه به تعریف مختصر و ساده هر یک از حقوق بیان‌شده در اعلامیه‌ی جهانی می‌پردازیم. همه‌ی ما در گفتگوهای روزمره یا از میان اخبار منتشر شده در تلویزیون یا فضای مجازی، بارها با واژه‌ها و اصطلاحاتی چون: آزادی بیان، آزادی اندیشه، تبعیض، حق انتخاب، حق تأمین اجتماعی و... مواجه شده‌ایم. در حالت عادی هر فردی بنا به سلیقه‌ی خود تعریفی از «آزادی بیان» دارد که ممکن است با تعریف دیگران متفاوت باشد.

مثلاً اینکه شخصی ادعا کند: «چون آزادی بیان دارم، می‌توانم هر حرفی که به نظرم درست است را بیان کنم!» یا اینکه: «چون عقیده‌ای به نظر من درست و منطقی است پس حق دارم تحت هر شرایطی آن را تبلیغ و ترویج کنم!» یا در مورد تبعیض و نابرابری، اصطلاح معروف «ژن خوب» بارزترین مصداق تبعیض در جامعه‌ی ایران شناخته می‌شود: اینکه فردی بدون داشتن شایستگی و توانایی‌های لازم و فقط به پشتوانه‌ی روابط فامیلی و دوستانه‌ای که با افراد قدرتمند دارد، می‌تواند به مقام و ثروت دست یابد.

اما آیا این تعاریف به اندازه‌ی کافی دقیق هستند؟ و آیا کشورها و جوامع گوناگون می‌توانند بنا به شرایط خاص خود تعاریف متفاوتی از هر یک از حقوق بیان‌شده در اعلامیه‌ی جهانی و دیگر معاهدات حقوق بشری داشته باشند و در نهایت هم مدعی باشند که به تمامی حقوق بشر پایبند هستند؟ جواب بسیار ساده است: نه!

برای تفسیر مفاد معاهدات حقوق بشری، یک سری شرایط و الزامات شفاف و روشن وجود دارد که در هنگام تفسیر حتماً باید مد نظر قرار بگیرند. به عنوان مثال در ماده سی‌ام اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر آمده است: «هیچ‌یک از مقررات اعلامیه‌ی حاضر نباید به گونه‌ای تفسیر شود که متضمن حقی برای دولتی یا جمعیتی یا فردی باشد که به موجب آن بتواند هر یک از حقوق و آزادی‌های بیان‌شده در این اعلامیه را از بین ببرد یا در آن راه فعالیت نماید.» یا در اصل ۴۷ میثاق حقوق مدنی و سیاسی آمده است: «هیچ‌یک از مقررات این میثاق نباید به نحوی تفسیر شود که به حق ذاتی کلیه‌ی ملل به تمتع و استفاده‌ی کامل و آزادانه آنان از منابع و ثروت‌های طبیعی خودشان لطمه‌ای وارد آورد.»

در واقع تفسیر باید بر اساس «حسن نیت» و در راستای «موضوع و هدف» معاهده باشد. در پاره‌ای از شرایط، کمیته‌هایی که ذیل هر کنوانسیون یا معاهده سازمان ملل متحد تاسیس شده‌اند



اقدام به تفسیر بعضی حقوق می‌کنند و نتیجه‌ی آن تحت عنوان «نظریه‌ی تفسیری»^۴ در دسترس عموم قرار می‌گیرد. به عنوان مثال: یکی از وظایف کمیته‌ی حقوق بشر (با شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد متفاوت است)، تفسیر حقوق مدنی و سیاسی است یا در زمینه‌ی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کمیته‌ی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مسئول تفسیر این حقوق به شمار می‌رود.

- در ادامه، به صورت کوتاه به تعریف دقیق هر یک از حقوق تصریح شده در «اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر» می‌پردازیم.

⁴ General Comment





ماده ۱

- تمام افراد بشر آزاد به دنیا می‌آیند و از لحاظ حیثیت و حقوق با هم برابرند. همه دارای عقل و وجدان هستند و باید نسبت به یکدیگر با روح برادری رفتار کنند.

همه‌ی ما آزاد و برابر زاده شده‌ایم

«حیثیت» یا «کرامت» افراد پایه و اساس تمامی حقوق بشر است. از آنجا که انسان‌ها از ارزش ذاتی و حقوق مشخصی برخوردارند، رفتار با آن‌ها باید در نهایت دقت و توجه باشد. همان‌طور که «زاید راعد الحسین» (کمیسر سابق حقوق بشر سازمان ملل متحد) گفته است «حقوق بشر پاداشی در مقابل رفتار شایسته‌ی انسان‌ها نیست، این حقوق شامل همه‌ی افراد و در همه‌ی زمان‌ها و مکان‌ها می‌شود».

در واقع این نکته چکیده‌ای کوتاه از فلسفه‌ی اعلامیه جهانی حقوق بشر پس از جنگ جهانی دوم را بیان می‌کند. جامعه بین‌الملل در واکنش به جنایت‌ها و وحشت‌آفرینی‌های رخ داده طی دو جنگ جهانی، به این نتیجه رسید که مفهوم «کرامت/ حیثیت» بشر باید بیش از پیش مورد توجه جهانیان قرار بگیرد؛ همه‌ی افراد شایسته‌ی برخورداری از کرامت انسانی هستند و هیچ اتفاقی نمی‌تواند فردی را از آن محروم کند. به همین دلیل در مقدمه‌ی اعلامیه جهانی حقوق بشر و همچنین در «منشور سازمان ملل متحد» بر این مساله بسیار تاکید شده است.

«مری رابینسون» (دومین کمیسر حقوق بشر سازمان ملل متحد) در این مورد معتقد است: «کرامت نوعی احساس درونی ارزشمند بودن است که حس همراهی با دیگران را برمی‌انگیزد و باعث می‌شود با یکدیگر ارتباط برقرار کنیم».



* ماده ۱ «برابری» را به عنوان موضوع همه‌جانبه‌ی اعلامیه تعیین می‌کند، که این امر اساس تدوین حقوق برای گروه‌های آسیب‌پذیر مانند: اقلیت‌های قومی و مذهبی، زنان و کودکان، افراد دارای معلولیت و سالمندان تلقی می‌شود.

«کرامت» در قوانین اساسی

واژه‌ی «کرامت» ۵ مرتبه در اعلامیه جهانی حقوق بشر به کار رفته است و در عین حال که مفهومی غیرقابل مجادله و انکار است، همزمان نیز یک مفهوم مبهم تلقی می‌شود. با این وجود و در حالی که سال ۱۹۴۵ میلادی فقط ۵ کشور کرامت بشری را در قانون اساسی‌شان به رسمیت شناخته بودند، اما امروزه این تعداد به بیش از ۱۶۰ کشور (از مجموع ۱۹۳ کشور عضو سازمان ملل متحد) افزایش پیدا کرده است.

حالا شاید سوال پیش آید که با این تفاسیر آیا تعریف مشخصی برای «کرامت بشری» وجود دارد؟ در واقع این مسئولیت اغلب به عهده‌ی قضات گذاشته می‌شود تا با بررسی تمام شرایط یک فرد و حقوق بشری که او از آنها برخوردار بوده، تشخیص بدهند آیا کرامت بشری آن شخص مورد احترام قرار گرفته است یا نه.

کرامت بشر یا کرامت مردان؟

نخستین کلمات ماده‌ی اول اعلامیه جهانی حقوق بشر در واقع بازتابی از «اعلامیه حقوق بشر و شهروند» فرانسه است که کمی پس از انقلاب کبیر این کشور در سال ۱۷۸۹ تصویب شد. با این تفاوت که تلاش بسیاری به کار گرفته شد تا ادبیات اعلامیه جهانی خلاف اعلامیه حقوق فرانسه، فارغ از هرگونه جنسیت و در واقع خنثی باشد. با پشتکار خانم «هانسا مهتا» (از هند) که در روند پیش‌نویس اعلامیه جهانی حضور فعالانه داشت، عبارت فرانسوی «تمام مردان آزاد و برابر به دنیا می‌آیند» به: «تمام افراد بشر آزاد و برابر به دنیا می‌آیند» تبدیل شد. او با دیدگاه «النور روزولت» (رئیس کمیته تدوین اعلامیه جهانی و نخستین رئیس کمیسیون حقوق بشر) مخالف بود که می‌گفت: واژه‌ی «مردان» در معنای گسترده و عام خود، زنان را نیز در بر می‌گیرد. مهتا



این طور استدلال کرد که ممکن است بعضی کشورها با سواستفاده از این کلمه، به جای توسعه‌ی حقوق زنان به محدود کردن حقوق آن‌ها بپردازند.

این استدلال شاید بیان کننده‌ی عینی‌ترین مسئله‌ای است که امروزه زنان ایران با آن مواجه هستند. به‌ویژه در پی‌گیری حقوق سیاسی‌شان، اصطلاح «رجل سیاسی» که در زمان قانون‌گذاری به استناد معنای عام و گسترده‌ی آن به کار گرفته شده، ولی امروز سدی در برابر زنان برای تصدی پست‌های کلیدی مثل «ریاست جمهوری» شده است.



ماده ۲



۱) هر کس می‌تواند بدون هیچ‌گونه تمایز - به‌خصوص از حیث نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، عقیده‌ی سیاسی یا هر عقیده‌ی دیگر، و همچنین ملیت، وضع اجتماعی، ثروت، ولادت یا هر موقعیت دیگر - از تمام حقوق و همه‌ی آزادی‌های ذکر شده در این اعلامیه بهره‌مند شود.

۲) به‌علاوه، هیچ تبعیضی به‌عمل نخواهد آمد که مبتنی بر وضع سیاسی، اداری، قضایی، و بین‌المللی کشور یا سرزمینی باشد که شخص به آن تعلق دارد؛ خواه این کشور مستقل، تحت قیمومت یا غیرخودمختار بوده، یا حاکمیت آن به شکلی محدود شده باشد.

تبعیض چیست؟

بسیاری از ما ممکن است در موقعیت‌های مختلف با «تبعیض» روبه‌رو شده باشیم. هنگامی که در یک اداره منتظر انجام امور اداری‌مان هستیم و فردی بدون رعایت نوبت کار خود را پیش می‌برد، حس نوعی از تبعیض برایمان تداعی می‌شود. یا هنگام دریافت وام بانکی، وقتی با هزار و یک بند و تبصره‌ی دست و پا گیر روبه‌رو می‌شویم اما در همان لحظه فردی بدون رعایت هیچ‌کدام از آن تشریفات چندین برابر وام بانکی دریافت می‌کند، حس تبعیضی که علیه ما شده ممکن است باعث ناراحتی‌مان شود.

در «فرهنگنامه معین» واژه‌ی تبعیض به: «تقسیم و جدا کردن بعضی از بعضی، یا بعضی را بر بعضی برتری دادن» تعبیر شده است. این جمله تعریفی کلی از عمل به ما می‌دهد، اما باید دید که در اسناد حقوق بشر تبعیض چگونه تعریف می‌شود؟ و چه کسانی و در چه شرایطی قربانی آن هستند؟ و اینکه آیا همیشه فقط دولت‌ها عامل تبعیض و نابرابری به شمار می‌روند؟

از دیدگاه حقوق بشری، تبعیض به این صورت تعریف می‌شود: «ایجاد هرگونه تمایز، محدودیت و اقدامات ترجیحی که به صورت مستقیم یا غیرمستقیم و بر اساس نژاد، رنگ پوست، تبار خانوادگی، ملیت یا قومیت، مذهب، جنسیت، محل سکونت [و مواردی از این دست] اعمال شود



که به قصد یا هدف محرومیت یا ایجاد محدودیت در برخورداری فرد یا افراد از حقوق خود به صورت برابر با دیگران باشد».

* شاید چند مثال بتواند به شفاف‌تر شدن این موضوع کمک کند:

مریم دختری است بهایی که قصد دارد برای تحصیل در رشته‌ی مهندسی معدن در کنکور شرکت کند، اما او بر اساس ۲ دلیل تبعیض‌آمیز از امکان رسیدن به هدف خود محروم شده است. دلیل اول اینکه: در ایران بهاییان به خاطر مذهب‌شان از حق آموزش در سطح دانشگاهی محروم هستند. و دلیل دوم اینکه: تحصیل در رشته‌ی مهندسی معدن در ایران محدودیت جنسیتی دارد و دختران در مقایسه با پسران شانس کم‌تری برای پذیرش در این رشته دارند. در واقع در این داستان، ۲ زمینه‌ی تبعیض مذهبی و جنسیتی مانع بهره‌مندی فرد از دست‌یابی به حقوق خود می‌شود.

* مثال دیگر: علی دارای معلولیت جسمی است و از زمان کودکی برای رفت و آمد مجبور به استفاده از ویلچر بوده. او تحصیلات عالی در زمینه‌ی حسابداری دارد، اما زمانی که برای استخدام در یکی از بانک‌ها اقدام می‌کند متوجه می‌شود واجد تمامی شرایط است به جز یک مورد: برخورداری از سلامت کامل جسمانی!

در این موقعیت، علی با وجود داشتن شایستگی تصدی یک موقعیت شغلی، ولی به دلیل تبعیض بر اساس وضعیت جسمی‌اش از «حق اشتغال» خود محروم می‌شود.

اما آیا همیشه دولت‌ها و سازمان‌های بزرگ عامل تبعیض هستند؟ قطعاً نه! در بعضی شرایط این جوامع هستند که بیش‌ترین تبعیض را علیه گروهی از شهروندان به کار می‌برند. در بعضی از جوامع اینکه فردی متعلق به یک خانواده یا قوم به اصطلاح اصیل یا ثروتمند باشد کافی است تا او از امکانات و خدمات ویژه‌ای برخوردار شود که دیگران از آن محروم هستند.

* مثال: در شهر الف، ۲ قومیت مختلف ساکن هستند. یکی از آن‌ها بزرگ‌تر و دارای ثروت بیش‌تری است و مردمش معتقدند از اصالت و جایگاه ویژه‌ای برخوردارند و قومیت دیگر که از نظر مالی در فقر به سر می‌برند در شأن آن‌ها نیستند. به همین دلیل ازدواج بین افراد این دو قوم را بین خودشان ممنوع کرده‌اند.



در این موقعیت گرچه منع قانونی برای ازدواج افراد وجود ندارد، اما تبعیضی که در روابط اجتماعی نادرست ریشه دارد باعث محرومیت افراد از حق ازدواج آنها شده است.

*** مثال:** در شهر ب، مردم معتقدند نیازی نیست دخترها بیش تر از ۵ کلاس درس بخوانند و بعد از آن باید در خانه داری به مادر کمک کنند و پخت و پز یاد بگیرند تا در خانه‌ی همسر آینده‌شان به مشکل برخوردند.

در واقع این نگاه تبعیض آمیز علیه دختران است که آنها را از بسیاری حقوق خود (از جمله حق تحصیل) باز می‌دارد. حتی در ادامه ممکن است به دلیل دختر بودن، در سنین پایین مجبور به ازدواج شوند.

در بحث تبعیض، گاهی دیده می‌شود که گزینه‌های تبعیض آمیز در ذهن افراد به عنوان یک امر بدیهی نهادینه شده است. عقاید نادرستی مثل اینکه: خانم‌ها راننده‌های خوبی نیستند، آقایان همیشه در کارهای فنی موفق تر هستند، پخت و پز و بچه داری از وظایف زن خانه است. افراد معلول حتی نمی‌توانند کارهای شخصی خودشان را انجام بدهند، سالمندان قدرت تصمیم‌گیری ندارند، و بسیاری دیگر از کلیشه‌ها که می‌تواند گروه‌های مختلف را صرفاً بر اساس پیش فرض‌های نادرست تحت تبعیض قرار داده و از حقوق خود محروم کند.

اولین تاثیر تبعیض در یک جامعه، محرومیت از پتانسیل‌های موجود برای پیش‌برد امور و بهبود وضع همان جامعه است.





ماده ۳

- هر کس حق زندگی، آزادی و امنیت ملی دارد.

حق حیات

حق حیات به چه معنی است، و چه فرد یا افرادی در قبال آن مسئولیت دارند؟

پرهیز از گرفتن جان افراد

در ساده‌ترین شکل، حق حیات به معنی آن است که دولت‌ها/حکومت‌ها نمی‌توانند جان شهروندان خود را بگیرند؛ مگر در شرایط بسیار استثنایی و ضروری در راستای حمایت از دیگران در برابر خشونت، یا به منظور پایان دادن یک شورش.

در مورد حکم اعدام نیز «میثاق حقوق مدنی و سیاسی» تاکید می‌کند در کشورهایی که اجرای حکم اعدام همچنان پابرجاست، صدور این حکم فقط باید در مورد جرایم بسیار بزرگ و مطابق با قوانین جاری صادر شود.

وظیفه‌ی حمایت از جان افراد

علاوه بر وظیفه‌ی عدم ستاندن جان افراد، دولت‌ها/حکومت‌ها وظیفه دارند که از جان افراد در برابر هرگونه خطری محافظت کنند. برای مثال: با تصویب قوانین کارآمد کیفری و مکانیزم‌های موثر مجازات، مانع از بروز جرایم خشن شوند. همچنین نیروهای پلیس نیز وظیفه‌ی حمایت از افرادی را دارند که ممکن است جان آن‌ها در معرض خطر قرار گرفته باشد.



وظیفه‌ی تحقیق در مورد مرگ

اگر فردی که در اختیار دولت/حکومت قرار دارد - مانند بازداشتگاه‌ها، زندان‌ها، یا بیمارستان‌ها- جان خود را از دست بدهد، دولت/حکومت وظیفه دارد در مورد علت مرگ او تحقیقات کاملی را به انجام برساند تا علت مرگ مشخص شده و کسانی که در این موضوع دخالت داشته‌اند را محاکمه کند. در واقع یکی از مهم‌ترین دستاوردهای این کار، شناسایی ناکارآمدی‌ها و جلوگیری از تکرار چنین فجایعی است.

حق بنیادی بشر

در حقیقت حق حیات، سنگ بنیادین دیگر حقوق ما قلمداد می‌شود و به عنوان یکی از حقوق بنیادی بشر به شمار می‌آید. بدون حق حیات نمی‌توان از حقوق دیگر بهره‌مند شد. فقط تصور کنید در جامعه‌ای که امنیت جان افراد تضمین نشده است و هر لحظه امکان قتل آن‌ها توسط حکومت یا افراد دیگر وجود دارد، چگونه می‌توان از حق اشتغال، ازدواج، مسکن، بهداشت و دیگر حقوق انسان‌ها صحبت کرد؟





ماده‌ی ۴

- هیچ‌کس را نمی‌توان در بردگی نگه‌داشت و خرید و فروش بردگان به هر شکلی ممنوع است.

رهایی از بردگی و بندگی

«بردگی» زمانی است که شخصی، شما را مانند قطعه‌ای از اموال خود تملک کند. مثل آنچه که در آمریکا به صورت استفاده از بردگان آفریقایی برای کار در مزارع پنبه و بدون هیچ‌گونه دستمزدی انجام می‌گرفت.

«بندگی» هم شبیه به برده‌داری است. به این صورت که ممکن است شما در خانه‌ی کسانی زندگی کنید، برایشان کار کرده و نتوانید آنجا را ترک کنید، اما آن‌ها مالک شما نیستند. شبیه حالتی که در گذشته‌ها به عنوان «غلام خانه‌زاد» در ایران وجود داشت.

تاریخچه‌ی برده‌داری

در اواخر قرن ۱۸ میلادی احساسات ضد برده‌داری گسترش بسیاری پیدا کرد، با این حال این احساسات نتوانستند تأثیر سریع و مؤثری داشته باشند. سال ۱۸۳۳ به واسطه‌ی قانون پارلمان، برده‌داری در سراسر امپراتوری بریتانیا ممنوع شد. در آمریکا هم سال ۱۸۶۳ «آبراهام لینکلن» اعلامیه‌ای مشهور به «اعلامیه آزادی» را صادر کرد که به موجب آن همه‌ی بردگان مستقر در ایالت‌های متولفه آزاد شدند، و به دنبال آن و بر پایه‌ی سیزدهمین متمم قانون اساسی ایالات متحده (۱۸۶۵) برده‌داری در سراسر کشور ممنوع شد.



در ایران، دوران پهلوی اول و در روز ۱۸ بهمن ۱۳۰۷ اولین قانون علیه بردگی و برده‌داری تحت عنوان «قانون منع فروش و خرید برده در خاک ایران و آزادی برده در هنگام ورود به مملکت» به تصویب مجلس رسید.

منع بردگی در قانون اساسی ایران

بر اساس ماده ۴ اعلامیه جهانی حقوق بشر: هیچ کس را نمی‌توان در بردگی نگاهداشت و داد و ستد بردگان به هر شکلی ممنوع است. همچنین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به تبعیت از اعلامیه جهانی حقوق بشر و دیگر معاهده‌های بین‌المللی که توسط ایران به امضا و تصویب رسیده، در اصول گوناگون خود (از جمله اصل دوم) ضمن تاکید بر به رسمیت شناختن اصل کرامت و ارزش والای انسانی؛ هرگونه ستم‌گری، ستم‌کشی، سلطه‌گری و سلطه‌پذیری را ممنوع کرده است.

برده‌داری مدرن

با وجود از میان رفتن اشکال قدیم برده‌داری، اما متأسفانه امروزه روش‌های گوناگونی برای استثمار و سواستفاده از انسان‌ها به کار گرفته می‌شود. روش‌هایی که به عنوان «برده‌داری مدرن» شناخته شده و در قالب: کارگر جنسی، پیشخدمت خانه، کارگر صنایع غذایی، معادن، کارخانه‌های عظیم تولیدی و... در سراسر جهان شاهد گسترش آن‌ها هستیم. بنابر آمار رسمی سازمان‌های بین‌المللی، فقط در ۵ سال گذشته حدود ۸۹ میلیون نفر از جمعیت جهان اشکال گوناگونی از برده‌داری مدرن را در بازه‌های زمانی مختلف (از چند روز تا ۵ سال) تجربه کرده‌اند. عمده قربانیان این مساله، اقشار ضعیف و آسیب‌پذیر مانند زنان و دختران و از کشورهای فقیر و توسعه‌نیافته‌ی آفریقایی و آسیایی هستند.



نکته‌ی دردآور اینکه حتی امروزه نیز در بعضی مناطق جهان شاهد بروز گسترده‌ی نه‌تنها برده‌داری مدرن، بلکه برده‌داری در اشکال بسیار قدیمی خود هستیم. بازار بردگان گروه تروریستی داعش در سوریه (که اقدام به خرید و فروش زنان و دختران ایزدی می‌کردند) و نیز بازار بردگان در جنوب لیبی، از فجایع حقوق بشری دوران معاصر به شمار می‌روند.

آیا محدودیتی وجود دارد؟

حق رهایی از بردگی و بندگی - مانند حق رهایی از شکنجه و رفتار تحقیرآمیز یا غیرانسانی، و حق حیات - یکی از حقوق بنیادین بشر به شمار می‌رود که تحت هیچ شرایطی نمی‌توان آن را مجاز تلقی کرد.



ماده ۵



- هیچ کس را نمی توان تحت شکنجه، مجازات یا رفتاری قرار داد که ظالمانه، غیرانسانی و خلاف شئون بشری، یا موهن باشد.

ممنوعیت شکنجه

تاکید بر منع شکنجه آنقدر مهم است که در سال ۱۳۶۳ (۱۹۸۴م) کنوانسیون جهانی «منع شکنجه و دیگر رفتارها و مجازات خشن، غیرانسانی و تحقیرآمیز» به تصویب سازمان ملل رسید. دولت‌ها موظفند ساختارهایی را طراحی کنند که از بروز هرگونه شکنجه و رفتار غیرانسانی و تحقیرآمیز جلوگیری کنند. همچنین دولت‌ها باید از اعمال شکنجه توسط فرد یا افراد دیگر علیه شهروندان جلوگیری به عمل آورند.

ریشه‌ی این ممنوعیت از کجاست؟

برای قرن‌ها، شکنجه ابزاری کاربردی در دست دولت‌ها بود که از آن علیه مخالفان استفاده می کردند. سال ۱۶۸۹ با صدور «اعلامیه حقوق انگلستان» مجازات‌های خشن و غیرمعمول در این کشور ممنوع شد.

پس از جنگ جهانی و فجایع ناشی از آن، ممنوعیت شکنجه به عنوان یک اصل اساسی بین‌المللی شناخته شد. سال ۱۹۴۴ در کنوانسیون جهانی ژنو و پس از آن در سال ۱۹۴۸ طی اعلامیه جهانی حقوق بشر، شکنجه ممنوع شد.



شکنجه چیست؟

مطابق پیمان‌های حقوق بشری، هیچ‌کس نمی‌تواند دیگری را شکنجه دهد. هرگونه بدرفتاری نیز می‌تواند به عنوان رفتار غیرانسانی یا تحقیرآمیز در نظر گرفته شود. هیچ‌کس نمی‌تواند با ما به گونه‌ای رفتار کند که خلاف شأن و کرامت انسانی‌مان باشد، یا منجر به صدمات فیزیکی و روحی شود.

دولت موظف است اطمینان حاصل کند که هرگونه بدرفتاری و شکنجه هیچ‌گاه اتفاق نخواهد افتاد و در صورت رخ‌دادن باید تمام تلاش خود را برای روشن شدن جوانب آن به‌کار گیرد.

چه اعمالی می‌توانند شکنجه یا تحقیرآمیز و غیرانسانی تلقی شوند؟

آیا به دلایل اختلاف فرهنگی و مذهبی که در جوامع گوناگون وجود دارد می‌توان بعضی از رفتارها را مصداق شکنجه یا تحقیرآمیز و غیرانسانی تلقی کرد؟ به صورت کلی، پاسخ منفی است!

مهم‌ترین عامل در تشخیص اینکه یک عمل تحقیرآمیز یا غیرانسانی و مصداق شکنجه است این است که فرد یا افرادی که آن را مرتکب می‌شوند به قصد تخریب یا ایجاد آسیب فیزیکی یا روحی به آن عمل دست بزنند. برای همین بسیاری از آداب و رسوم فرهنگی و مذهبی نمی‌تواند مصداق شکنجه یا رفتار غیرانسانی و تحقیرآمیز تلقی شود. اما در مواردی خاص که بعضی از این رفتارها به قصد تحقیر یا اعمال تبعیض علیه فرد یا گروهی خاص به‌کار می‌رود، ذیل رفتار غیرانسانی یا تحقیرآمیز قرار می‌گیرند. مثل عمل «ختنه‌ی زنان» که در بعضی جوامع به عنوان سنت فرهنگی علیه دختران خردسال انجام می‌شود.

هر نوع فشار روحی و فیزیکی به منظور کسب اعتراف توسط نیروهای دولتی (مانند پلیس یا افراد وابسته به آن‌ها) مصداق شکنجه تلقی می‌شود. ضمن اینکه شکنجه فقط به معنی ضرب و شتم فیزیکی نیست. به عنوان مثال حبس افراد در «سلول انفرادی» (که به عنوان یکی از شدیدترین



و خشن‌ترین شکنجه‌ها شناخته شده) منجر به آسیب‌های روحی می‌شود که در مواردی آثار منفی آن تا پایان عمر فرد را درگیر خواهد کرد.



ماده ۶



- هر کس حق دارد که شخصیت حقوقی اش در همه جا به عنوان یک انسان در مقابل قانون شناخته شود.

رسمیت در برابر قانون

حق «به رسمیت شناخته شدن در برابر قانون» یکی از حقوق بشر است که به صورت گسترده در سطح جهانی پذیرفته شده است. از جمله در اصل ۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر، اصل ۱۶ [میثاق حقوق مدنی و سیاسی](#)، و همچنین در سطح منطقه‌ای از جمله در اصل ۳ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر، و نیز اصل ۵ منشور آفریقایی حقوق بشر و مردم.

اصلی برای اجرای عدالت

اعلامیه جهانی حقوق بشر پس از تعیین استانداردهایی برای کرامت و آزادی انسان‌ها در اصل‌های ابتدایی، مجموعه‌ای از اصل‌های اعلامیه را به معیارهای اجرای عدالت اختصاص داده است که اغلب با عنوان «مراحل تشریفات قانونی» شناخته می‌شوند. با نگاهی به کلیت اعلامیه جهانی حقوق بشر در می‌یابیم که حدود یک‌چهارم از آن به بحث بنیان‌های حقوقی حقوق بشر اختصاص دارد.

این حد از تمرکز بر این مساله به دلیل تجربه‌های هولناک از سواستفاده‌های حکومت نازی، و نیز اعتقاد بر این امر است که بنیان‌های حقوقی سد محکمی در برابر بروز خشونت‌های ویرانگر مشابه در آینده خواهد بود. بر همین اساس تا اواخر دهه‌ی ۴۰ میلادی، این دیدگاه در نظام قانونی تمام کشورهای توسعه‌یافته گنجانیده شد.



یک اصل فراگیر

اصول ۶ تا ۱۱ اعلامیه جهانی به‌ویژه بر حقوق مدنی و سیاسی تمرکز دارد و در نیمه‌ی دوم اعلامیه به حقوق اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی پرداخته شده است.

باید توجه داشت حق به رسمیت شناخته‌شدن در برابر قانون که در ماده ۶ تبلور یافته، به نوعی در تمامی حقوق اعلامیه جهانی عینیت دارد. به عنوان مثال اگر شخصیت حقوقی یک فرد در برابر قانون به رسمیت شناخته نشود، او چگونه خواهد توانست از حقوق اجتماعی و اقتصادی خود بهره‌مند شود؟

* اما این حق به صورت ویژه در چه شرایطی به کار می‌آید؟

• ناپدیدشدگان قهری

حق به رسمیت شناخته‌شدن در برابر قانون، به طور ویژه به وضعیت «ناپدیدشدگان قهری» توجه دارد. یعنی شرایطی که ممکن است فرد ربوده یا زندانی شده و حتی به قتل برسد، در حالی که خانواده‌اش به ندرت امکان اطلاع از سرنوشت او را دارند. یکی از نمونه‌های بارز این دست موارد در جمهوری اسلامی، پرونده مبهم «سعید زینالی» دانشجوی بازداشتی است که خانواده‌ی او از زمان دستگیری‌اش در تیرماه ۱۳۷۸ طی جریان اعتراضات کوی دانشگاه، تاکنون از سرنوشت او بی‌خبر هستند.

در همین راستا و به منظور جلوگیری از بروز چنین رخدادهایی، اصل ۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر تاکید دارد که هرکس بدون در نظر گرفتن اتهامی که متوجه او است باید در برابر قانون به رسمیت شناخته شده و از حقوق قانونی خود آگاه و برخوردار شود.



• زنان

البته که برخورداری از حق به رسمیت شناخته شدن در برابر قانون بسیار فراتر از بحث ناپدیدشدگان قهری است. از دیگر مواردی که می‌توان به آن اشاره کرد بحث عدم برابری حقوق زن و مرد در جمهوری اسلامی ایران است. به عنوان مثال برای دریافت گذرنامه و خروج از کشور، زنان باید از همسر یا پدر خود اجازه‌ی رسمی بگیرند. همچنین در مورد تعیین محل زندگی، حق انتخاب با شوهر است. یا در بسیاری از موارد دیگر مثل: شهادت دادن، سرپرستی فرزندان، اشتغال و... زنان از حقوق برابر با مردان برخوردار نیستند.

• افراد بدون مدارک شناسایی

بیشتر کسانی که فاقد مدارک شناسایی هستند را افراد فقیر و ساکنان مناطق زاغه‌نشین در حاشیه‌ی شهرهای بزرگ کشور مانند تهران، کرج، مشهد تشکیل می‌دهند. همچنین بعضی مهاجران یا فرزندان حاصل ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی. این افراد عملاً نمی‌توانند از هیچ‌کدام از حقوق قانونی و شهروندی‌شان برخوردار شوند، و این دولت است که باید شرایطی را به وجود آورد تا آن‌ها بتوانند از حقوق بنیادین خود بهره‌مند شوند.





ماده ۷

- همه در برابر قانون مساوی هستند و حق دارند بدون تبعیض و یکسان از حمایت قانون برخوردار شوند. همه حق دارند در مقابل هر تبعیضی که ناقض این اعلامیه باشد و علیه هر تحریکی که برای چنین تبعیضی به عمل آید، به تساوی از حمایت قانون بهره‌مند شوند.

همه در برابر قانون برابریم

برای اینکه همه‌ی افراد جامعه از حقوق برابر با یکدیگر برخوردار باشند، اول از همه به یک سیستم قضایی عادلانه نیاز است. سیستمی که سنگ بنای آن بر اساس «برابری همگان در پیشگاه قانون» چیده شده باشد. در چنین حالتی، قانون باید تضمین‌کننده‌ی این امر باشد که هیچ فرد یا گروهی نسبت به دیگران از مزیت ویژه‌ای برخوردار نباشد، یا تحت تبعیض و نابرابری قرار نگیرند. اهمیت این مسئله با مسائلی مانند برابری، انصاف، و عدالت در هم تنیده است و از سوی دیگر با مسائلی مثل برده‌داری و استثمار در تضاد قرار می‌گیرد.

قوانین چه می‌گویند؟

حق «برابری در پیشگاه قانون» در اصل هفتم اعلامیه جهانی حقوق بشر تبلور یافته است. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز در اصول ۳، ۱۴، ۱۹ و ۲۰ بر این حق تأکید شده است. همچنین در اصل ۱۰۷ قانون اساسی اشاره شده است که «رهبر در برابر قوانین با سایر افراد کشور مساوی است». بنابراین بر اساس قوانین و بدون توجه به نژاد، جنسیت، زادگاه، رنگ، قومیت، مذهب، معلولیت و مواردی از این دست، باید با همگان بدون در نظر گرفتن حق ویژه، تبعیض یا تعصب، به صورت برابر رفتار کرد.



تاریخچه مبارزه زنان

در اواخر قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰، زنان در بسیاری از جوامع صنعتی برای حق رای خود مبارزه کردند. همان‌طور که یکی از زنان طرفدار حق رای در آمریکا می‌گوید: «تا زمانی که خود زنان به تصویب قانون و انتخاب نمایندگان قانون کمک نکنند، هیچ‌گاه برابری کاملی وجود نخواهد داشت.» آن‌ها برای به دست آوردن حقی تلاش کردند که سال‌ها به خاطر جنسیت‌شان از آن محروم بودند. در واقع این زنان با به دست آوردن حق رای، تلاش کردند تا نقش و جایگاه خود در جامعه را تثبیت کنند.

آیا فقط زنان و دختران قربانی می‌شوند؟

باید توجه کنیم که تبعیض اعمال شده در این زمینه فقط علیه زنان و دختران نبوده است، بلکه در شرایط و مکان‌های گوناگون گروه‌هایی مثل: مهاجران، افراد دارای معلولیت، قومیت‌ها، پیروان ادیان و مذاهب مختلف، و اقلیت‌های جنسی نیز مورد تبعیض قرار گرفته و از حقوق قانونی‌شان محروم مانده‌اند.

* به عنوان مثال در ایران، مسلمانان و به‌ویژه شیعیان در مقایسه با پیروان سایر ادیان و مذاهب از حقوق ویژه‌ای برخوردار هستند.

آیا فقط دولت‌ها مسئولند؟

اصل برابری برای همگان، فقط دولت‌ها را مورد خطاب قرار نمی‌دهد. تمام افراد جامعه در همه‌ی سطوح به صورت فعالانه موظف به رسمیت شناختن این حق هستند. در غیر این صورت تصویب قوانین و آیین‌نامه‌های گوناگون تاثیر چندانی بر تضمین این برابری نخواهد داشت.

در بسیاری از موارد با وجود قوانین و مقررات مختلف، اما در عمل نابرابری و تبعیض توسط مردم عادی و در محیط‌هایی مانند محل کار، مدرسه، یا خانه رخ می‌دهد. به عنوان مثال در جوامع



سنتی، زنان توسط مردان در خانواده‌ی خود تحت «خشونت خانگی» قرار می‌گیرند یا از بسیاری از حقوق‌شان مانند تحصیل یا اشتغال محروم می‌شوند.





ماده ۸

- در برابر اعمالی که حقوق اساسی هر فرد را مورد تجاوز قرار بدهد و آن حقوق به وسیله قانون اساسی یا قانون دیگری برای او شناخته شده باشد، فرد حق رجوع موثر به محاکم ملی صالحه دارد.

دسترسی به عدالت

درک این مسئله که «دسترسی به عدالت» به چه معنا است، به مرور زمان تکمیل شد. این مفهوم اساساً به معنی دسترسی به دادخواهی است و تلاش برای اصلاحات در این مسیر، به منظور دستیابی بیش تر و آسان تر به وکیل، قاضی و دادگاه (به ویژه برای افراد فقیر) بود. یکی از مهم ترین موانع برای دسترسی به عدالت، عدم امکان برخورداری افراد فقیر از مشاوره حقوقی و نیز بهره مندی آن ها از حق برخورداری از وکیل در دادگاه است. به مرور زمان و با انجام اصلاحات قضایی سعی در رفع این مسئله - به عنوان یک عامل تبعیض آمیز در برخورداری از عدالت - شده است. به گونه ای که حالا در بسیاری از کشورها در صورت عدم برخورداری افراد از شرایط مالی مناسب، آن ها می توانند از مشاوره های حقوقی یا وکلای رایگان برخوردار شوند.

دسترسی به عدالت در معنای گسترده و دقیق، جزئیات بیش تری از روند دادرسی عادلانه و همچنین رفع موانع ساختاری که اقشار گوناگون جامعه در این مسیر با آن ها روبه رو هستند را شامل می شود. در واقع به معنی توانایی افراد در جستجو و کسب راه حل از طریق نهادهای رسمی و غیررسمی به منظور پی گیری شکایات شان مطابق با استانداردهای حقوق بشری است.



چرا دسترسی به عدالت اهمیت دارد؟

در شرایطی که شهروندان (به ویژه اقشار آسیب پذیر) به نظام قضایی اطمینان ندارند، یا هنگامی که مشکلات مالی مانع دسترسی آن‌ها به سیستم قضایی می‌شود، و همچنین افراد چه به دلیل عدم آگاهی یا بر اساس ضعف سیستم قضایی به وکیل دسترسی ندارند، برخورداری از عدالت عملاً بی‌معنی است.

دسترسی به عدالت شامل حمایت قانونی، آگاهی حقوقی، کمک و مشاوره حقوقی، احقاق حق، اقدام قانونی و نظارت جامعه مدنی است. دسترسی به عدالت از طریق فراهم آوردن روندهای کارآمد - به جای متوسل شدن به خشونت به منظور رفع منازعات فردی و سیاسی - صلح پایدار در جامعه را تضمین می‌کند.

دسترسی به عدالت یک اصل اساسی حاکمیت قانون است. در صورت عدم وجود عدالت، صدای مردم شنیده نمی‌شود، نمی‌توانند از حقوق خود بهره‌مند شوند، تبعیض را به چالش بکشند، یا تصمیم‌گیران و سیاستمداران را نسبت به تصمیم‌ها و اعمال‌شان پاسخگو کنند.

اجرای عدالت باید بی‌طرفانه و به دور از تبعیض باشد. استقلال نظام قضایی در عین بی‌طرفی و صداقت، پیش‌نیاز اساسی برای حمایت از حاکمیت قانون و اطمینان از عدم وجود هرگونه تبعیض حین اجرای عدالت است.

آیا این بخشی از حقوق بشر است؟

دسترسی به عدالت از حقوق بنیادین بشر به حساب می‌آید و هنگامی که آزادی‌ها یا اموال هر فرد مورد تهدید قرار بگیرد، دسترسی او به دادگاه عادلانه را تضمین می‌کند. اصل هشتم اعلامیه جهانی حقوق بشر می‌گوید در صورتی که حقوق قانونی افراد مورد تجاوز قرار بگیرد، آن‌ها حق مراجعه به دادگاه صالح را دارند. همچنین بر اساس اصل ۳۲ [قانون اساسی جمهوری اسلامی](#)، افراد در صورت بازداشت باید ظرف ۲۴ ساعت به دادگاه دسترسی داشته باشند.





ماده ۹

- هیچ‌کس نباید خودسرانه توقیف، حبس یا تبعید شود.

حق آزادی و امنیت فردی

هر انسانی حق دارد که از آزادی برخوردار باشد. «حق

آزادی و امنیت» در کنار «حق حیات» به عنوان یکی از حقوق اساسی انسان، در اصل ۹ اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر مورد تاکید قرار گرفته است و براساس آن «هیچ‌کس را نمی‌توان خودسرانه توقیف، حبس یا تبعید کرد». این حق در ماده ۹ کنوانسیون بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی به صورت حق آزادی و امنیت فردی و همچنین در ماده (۴) ۱۲ در قالب منع تبعید اجباری تعریف شده است. حق آزادی و امنیت فردی همان‌طور که از عنوان آن پیدا است، از ۲ حق جداگانه تشکیل شده است:

۱) حق بر آزادی فردی

در قوانین بین‌المللی حقوق بشر، این حق دارای محدودیت‌های مشخصی است و دولت‌ها می‌توانند تحت شرایطی خاص، شهروندان را از آن محروم کنند. اما این حق تضمین‌کننده این مسئله است که هیچ‌کس نباید به صورت خودسرانه و خارج از روند قانونی مشخص، بازداشت یا زندانی شود و در صورت محرومیت افراد از آزادی، باید تضمین‌های حداقلی در مورد حقوق آن‌ها وجود داشته باشد.



تضمین‌های حداقلی شامل چه مواردی است؟

- هر فردی که بازداشت می‌شود در اولین فرصت باید از دلیل بازداشت و اتهام خود با زبانی ساده و قابل فهم آگاه شود.

- زمان بازداشت نباید طولانی باشد و فرد بازداشتی باید در اولین فرصت به دادگاه صالح یا مرجع صلاحیت‌دار ارجاع داده شود تا در صورت امکان دادگاه او برگزار شده یا با قید الزامات قانونی (که می‌تواند شامل: وثیقه، کفالت، یا حتی قول باشد) تا زمان برگزاری دادگاه به صورت موقت آزاد شود. به بیان دیگر، «بازداشت موقت» نباید به عنوان رویه‌ی اصلی در نظر گرفته شود و مدت زمان آن باید تا حد ممکن کوتاه در نظر گرفته شود.

۲) حق بر امنیت فردی

خلاف «حق بر آزادی فردی» در اسناد حقوق بشری تعریف یکسانی برای «امنیت فردی» وجود ندارد. به عنوان نمونه: کنوانسیون حقوق مدنی و سیاسی تعریف گسترده‌ای از امنیت فردی ارائه می‌دهد؛ مبنی بر اینکه این حق به معنی حمایت قانون از حق بر آزادی فردی است. در واقع حق بر امنیت فردی، در شرایطی فراتر از محرومیت افراد از آزادی به کار گرفته می‌شود. برای مثال: دولت‌ها موظف به اعمال شرایط و استفاده از ابزارهای قانونی مناسب در برابر تهدید حق حیات افراد هستند.





ماده ۱۰

- هرکس با مساوات کامل حق دارد که دعوایش به وسیله‌ی دادگاه مستقل و بی‌طرف، منصفانه و علنی رسیدگی شود و چنین دادگاهی درباره‌ی حقوق و الزامات او یا هر اتهام جزایی علیه او اتخاذ تصمیم نماید.

حق بر محاکمه‌ی عادلانه

سال ۱۹۸۴ در ایالت مریلند آمریکا، زنی ناشناس با پلیس تماس گرفت تا هویت فرد مظنونی که تصویرش منتشر شده بود را شناسایی و معرفی کند. سرباز سابق نیروی دریایی ایالات متحده که در آن زمان ۲۲ ساله بود، بی‌درنگ به اتهام تجاوز وحشتناک و قتل یک دختر ۹ ساله بازداشت شد. با وجود شواهد ضعیف و متضادی که در دادگاه ارائه شده بود، این فرد به مرگ محکوم شد. سرانجام در سال ۱۹۹۳ آن سرباز سابق با اصرار مداوم خود بر بی‌گناهی، به عنوان اولین فرد در ایالات متحده شناخته شد که بر اساس آزمایش دی‌ان‌ای، بی‌گناه تشخیص داده و از صف اعدام خارج شد. او پس از بیش از ۱۰ سال حبس از زندان آزاد شد اما تا پیش از بازداشت متهم اصلی در سال ۲۰۰۴، به صورت کامل از این پرونده تبرئه نشد.

تاکید بر «عادلانه بودن» دادگاه، هدف اصلی ماده ۱۰ است. بخش دیگری از اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر که به منظور جلوگیری از تکرار جنایات آلمان هیتلری تصویب شد؛ جایی که قضات و دادگاه‌ها عوض اینکه پی‌گیر اجرای عدالت در راستای منافع مردم باشند، تمام‌قد در خدمت رژیم نازی بودند. در راستای اجرای دادگاه عادلانه، تضمین‌هایی در نظر گرفته شده است. از جمله «فرض بر بی‌گناهی» که در مواد ۶، ۷ و ۸ اعلامیه جهانی به آن اشاره شده.



حق بر محاکمه‌ی عادلانه بدون هیچ‌گونه اختلاف نظری از سوی تمام کشورها پذیرفته شده (هرچند ممکن است همیشه رعایت نشود). محاکمه‌ی عادلانه نه تنها از مظنونان و متهمان حمایت می‌کند بلکه با افزایش اعتماد به عدالت و حاکمیت قانون، منجر به امن‌تر و قوی‌تر شدن جامعه می‌شود.

منظور از محاکمه‌ی عادلانه چیست؟

از نشانه‌های محاکمه‌ی عادلانه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. حق حضور در دادگاه
 ۲. برخورداری از محاکمه‌ی علنی در اسرع وقت و در دادگاه مستقل و بی‌طرف
 ۳. برخورداری از وکیل انتخابی یا تسخیری (به صورت رایگان)
 ۴. حق فرض بر بی‌گناهی تا زمان مجرم شناخته شدن
 ۵. حق عدم اجبار به اعتراف علیه خود
- همه‌ی موارد فوق با جزئیات در «میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی» بیان شده و اجرای مفاد آن از نظر قانونی برای کشورهای عضو این میثاق (از جمله ایران) الزام‌آور است.

در روند مبارزه‌ی طولانی سرباز آمریکایی به منظور اثبات بی‌گناهی خود، دادگاه تجدیدنظر به دلیل عدم دسترسی او به شواهد موجود در پرونده (به عنوان یکی از مولفه‌های محاکمه‌ی عادلانه) حکم اعدام این متهم را مردود اعلام کرد. پرونده او راه را برای دسترسی دیگر افراد در آمریکا به امکان برخورداری از آزمایش دی‌ان‌ای (به عنوان راهکاری به منظور جلوگیری از تکرار خشونت، مطابق ماده ۸ اعلامیه‌ی جهانی) پس از محکومیت هموار کرد. همان‌طور که پرونده او نشان می‌دهد، معیارها برای یک دادرسی عادلانه همیشه در حال ارتقاء و بهبود است؛ نه فقط در موارد جنایی بلکه در موارد مدنی.



حق دادرسی عادلانه در قوانین ایران

بسیاری از نظام‌های حقوقی راهکارهایی برای جلوگیری از بی‌اثر شدن عدالت در نظر می‌گیرند، اما در برخی کشورها نظام‌های حقوقی کامل توسعه نیافته‌اند و به دلیل فساد یا بی‌کفایتی، تضعیف می‌شوند یا به دلایل مختلف دیگر در عمل از کارآیی لازم برخوردار نیستند.

این مسئله فقط به دلیل کیفیت راهکارهای حقوقی در نظر گرفته شده نیست بلکه ناشی از عدم استقلال قضات، دادستان‌ها و وکلای نیز هست. یکی از بنیادین‌ترین مسائل هم اینکه اگر بازیگران اساسی نظام قضایی یک کشور تحت کنترل سیاسی بوده و از دفاع یا تبرئه کردن فردی که از بی‌گناهی او اطمینان دارند واهمه داشته باشند، یا تخلف‌های جزئی از قانون (یا ابراز عقیده و دیگر حقوق اساسی که از سوی قوانین حقوق بین‌الملل حفاظت شده است، مانند آزادی تجمعات) با مجازات‌های سختگیرانه حبس یا اعدام روبه‌رو شود، در این شرایط صحبت کردن از دادگاه عادلانه سرابی بیش نیست.

حتی در کشورهایی که حق محاکمه‌ی عادلانه کاملاً به رسمیت شناخته و نهادینه شده است گاهی تلاش‌هایی در راستای سیاسی کردن یا کنترل نظام قضایی - به گونه‌ای که این حق را به مخاطره بیندازند- صورت می‌پذیرد. در سال ۲۰۱۸ «دادگاه اروپایی عدالت»^۵ به دولت لهستان دستور لغو قانون کاهش سن بازنشستگی قضات دیوان عالی خود را صادر کرد که بر اساس آن دو پنجم قضات بازنشسته می‌شدند. این قانون تلاشی از سوی دولت به منظور جایگزین کردن افراد مورد نظر خود در دیوان عالی کشور تلقی شد.

مورد وخیم‌تر اینکه در بعضی کشورها، مقامات فعالانه در حال بی‌اثر کردن روند محاکمه‌ی عادلانه به منظور سرکوب و حذف مخالفان و منتقدان سیاسی، روزنامه‌نگاران منتقد و مدافعان حقوق بشر هستند. در سال‌های اخیر، دفتر حقوق بشر سازمان ملل متحد و دیگر نهادهای حقوق بشری سازمان ملل و گزارشگران مستقل اختطاری را در مورد وضعیت محاکمه عادلانه و استقلال

⁵ the European Court of Justice



قضایی در تعدادی از کشورها از جمله: بحرین، چین، مصر، گواتمالا، عراق، عربستان سعودی، ترکیه، ونزوئلا، ویتنام، مالدیو و میانمار داده‌اند.

در چین و ایران نیز عدم شفافیت در زمینه‌ی دادگاه‌ها و نظام قضایی و به‌ویژه تکیه بر اعتراف - که ممکن است به صورت اجباری از متهم گرفته شود- به عنوان مهم‌ترین دلیل اثبات جرم، منجر به زندانی شدن تعداد زیادی از فعالان حقوق بشر و روزنامه‌نگاران و حتی ناپدید شدن آن‌ها شده است.





ماده ۱۱

۱) هرکس به بزهکاری متهم شده باشد، بی‌گناه محسوب خواهد شد تا وقتی که در جریان یک دعوی عمومی که در آن کلیه‌ی تضمین‌های لازم برای دفاع او تأمین شده باشد تقصیر او قانوناً محرز گردد.

۲) هیچ‌کس برای انجام یا عدم انجام عملی که

در موقع ارتکاب، آن عمل به موجب حقوق ملی یا بین‌المللی جرم شناخته نمی‌شده است، محکوم نخواهد شد. به همین طریق هیچ مجازاتی شدیدتر از آنچه که در موقع ارتکاب جرم به آن تعلق می‌گرفته، درباره احادی اعمال نخواهد شد.

اصل برائت

شما بی‌گناه محسوب می‌شوید، تا زمانی که ثابت شود طبق قانون مقصر هستید. اگر هم به جرمی متهم شوید، حق دفاع دارید.

بر اساس اصل برائت، وظیفه‌ی اثبات جرم در یک دادگاه صالح به‌عهده کسی [دادستان] است که ادعای وقوع آن را مطرح کرده است. به‌عکس باور رایج، متهم هیچ وظیفه‌ای برای اثبات بی‌گناه بودن خود ندارد و این وظیفه‌ی دادستان است که دلایل اثبات جرم را بر اساس شواهد و مدارک کامل، شفاف، واقعی و محکمه‌پسند اثبات کند. در واقع به زبان ساده‌تر، یک فرد تا زمانی که دلایل و شواهد کافی برای گناهکار بودن او وجود نداشته باشد، بی‌گناه است.



قوانین چه می‌گویند؟

در کشورهای دموکراتیک، اصل برائت جزو حقوق قانونی متهم در دادگاه قلمداد می‌شود. همچنین در اسناد حقوق بشری از جمله اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر سازمان ملل متحد ماده ۱۱ بند اول، بیان می‌شود: «هرکس که به بزهکاری متهم شده باشد، بی‌گناه محسوب خواهد شد تا وقتی که در جریان یک دعوای عمومی که در آن کلیه‌ی تضمین‌های لازم برای دفاع او تأمین شده باشد تقصیر او قانوناً محرز گردد».

میثاق حقوق مدنی و سیاسی در راستای اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر و در ماده ۱۴ بند ۲ تأکید می‌کند که «هرکس به ارتکاب جرمی متهم شده باشد، حق دارد بی‌گناه فرض شود تا اینکه مقصر بودن او بر طبق قانون محرز شود».

همچنین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر این اصل بیان می‌کند: تا زمانی که جرم فردی در دادگاه صالح به اثبات نرسیده است، فرد بی‌گناه تلقی می‌شود.

سیر تاریخی

تعهد به اجرای اصل برائت در قوانین کشورهای دنیا نمایانگر پیشرفت شگرف در سیستم حقوقی آن‌ها و همچنین گذار از رویکردهای غیرانسانی دادگاه‌های تفتیش عقاید در قرون وسطا است.

در واقع، اصل برائت یا فرض بر بی‌گناهی یک فرد، یکی از پایه‌های اساسی نظام‌های دموکراتیک را تشکیل می‌دهد. این حق یکی از حقوق اساسی بشر شمرده می‌شود که زمینه‌ساز شرایط برای تبلور سایر حقوق - از جمله حق آزادی بیان - است.





ماده ۱۲

• هیچ‌کس در زندگی خصوصی، امور خانوادگی، اقامتگاه یا مکاتبات خود، نباید مورد مداخله‌های خودسرانه واقع شود و شرافت و اسم و رسم او نباید مورد حمله قرار بگیرد. هرکس حق دارد که در مقابل این‌گونه مداخلات و حملات مورد حمایت قانون قرار گیرد.

حق حریم خصوصی

امروزه با گسترش ابزار ارتباطات جمعی، تعریف‌های متنوعی برای حق حریم خصوصی وجود دارد. اما در یک جمع‌بندی کلی، این حق را می‌توان به صورت زیر تعریف کرد.

تعریف: حق حریم خصوصی به معنای برخورداری از حق حفظ حریم مشخص در اطراف خود است که این حریم می‌تواند شامل چیزهایی باشد که بخشی از ما هستند. از جمله: بدن ما، خانه، اموال، افکار، احساسات، رازها، و هویت. حق حریم خصوصی این توانایی را به ما می‌دهد که انتخاب کنیم کدام بخش از این حریم در دسترس دیگران قرار گیرد و میزان، نحوه و زمان‌بندی آن بخش‌هایی که تمایل داریم در دسترس دیگران قرار دهیم را کنترل کنیم.

حریم خصوصی در قوانین

ماده ۱۲ اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر به تعریف کلی از این حق پرداخته است: «کسی در زندگی خصوصی، امور خانوادگی، اقامتگاه یا مکاتبات خود، نباید مورد مداخله‌های خودسرانه واقع شود»



و شرافت و اسم و رسم او نباید مورد حمله قرار بگیرد. هرکس حق دارد که در مقابل این گونه مداخلات و حملات مورد حمایت قانون قرار گیرد».

همچنین در اصول ۲۲ و ۲۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران این حق به تفضیل به رسمیت شناخته شده است.

اصل ۲۲: «حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن، و شغل اشخاص از تعرض مصون است؛ مگر در مواردی که قانون تجویز کند.»

اصل ۲۵: «بازرسی و نرساندن نامه‌ها، ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی، افشای مخابرات تلگرافی و تلکس، سانسور، عدم مخابره و نرساندن آن‌ها، استراق سمع و هرگونه تجسس ممنوع است؛ مگر به حکم قانون.»

چه کسی مسئول است؟

در ابتدا دولت‌ها به عنوان نهادهایی که بیش‌ترین تمایل را به نقض حق حریم خصوصی شهروندان خود دارند، موظف به رعایت این حق شده‌اند. و در ادامه، مسئولیت حفاظت این حق از دست‌درازی دیگر افراد و نهادها، به‌عهده‌ی دولت‌ها گذاشته شده است.

اعمال محدودیت دقیق

اگرچه حق حریم خصوصی یک حق غیرمشروط و مستقل نیست اما اعمال محدودیت بر آن باید به صورت بسیار دقیق، حساب‌شده و محدود انجام شود؛ به صورتی که هرگونه مداخله در حریم خصوصی افراد باید بر اساس قوانین بین‌المللی حقوق بشر و به صورت قانونی و غیرخودسرانه صورت بگیرد؛ که در این حالت مداخله و اعمال محدودیت بر این حق، مشروع تلقی می‌شود.

اما برای اینکه آن محدودیت‌ها مشروع ارزیابی شود ۴ شرط اساسی لازم است:



۱. اعمال محدودیت نباید خودسرانه صورت بگیرد و باید از پشتوانه‌ی قانونی برخوردار باشد (به این معنی که قانون در جهت اهداف و روح اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر وضع شده باشد).
۲. به منظور هدفی ضروری در یک جامعه‌ی دموکراتیک باشد.
۳. در راستای امنیت ملی و امنیت عمومی و به منظور حفاظت از سلامت عمومی، اخلاق، یا حفاظت از حقوق و آزادی‌های دیگران وضع شده باشد.
۴. باید متناسب با تهدید موجود باشد.

* در واقع حق بر حریم خصوصی، یک اصل ضروری برای مشارکت معنادار دموکراتیک در یک جامعه و تضمین‌کننده‌ی عزت و استقلال انسانی است.

رسانه‌ها و حریم خصوصی

اکثر افرادی که در تیررس رسانه‌ها قرار دارند ادعا می‌کنند که وقتی رسانه‌ها اطلاعاتی در مورد زندگی خصوصی آن‌ها منتشر می‌کنند حریم خصوصی‌شان نقض می‌شود. هرچند از دیدگاه رسانه‌ها این حق افکار عمومی است در مورد افرادی که بین عامه مردم شناخته شده هستند (مثل سیاستمداران، هنرمندان، بازیکنان فوتبال و...) آگاهی داشته باشند. این تفاوت نگاه در بسیاری از رویکردهای قانونی به عنوان «آزادی بیان» شناخته می‌شود.





ماده ۱۳

- ۱) هرکس حق دارد که در داخل هر کشوری آزادانه عبور و مرور کند و محل اقامت خود را انتخاب نماید.
- ۲) هرکس حق دارد هر کشوری - و از جمله کشور خود- را ترک کند یا به کشور خود بازگردد.

حق آزادی رفت و آمد

بر اساس بند اول ماده ۱۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر، هر شخصی حق دارد در داخل هر کشور آزادانه رفت و آمد کند و اقامتگاه خود را برگزیند. این حق شامل ممنوعیت هرگونه «کوچ اجباری» افراد نیز می‌شود و نمی‌توان افراد را به اجبار از محل زندگی خود اخراج یا جابه‌جا کرد. در این راستا دولت وظیفه دارد از عدم محدودیت خودسرانه آزادی افراد در کشور توسط دیگران (از جمله شرکت‌ها و افراد صاحب نفوذ) اطمینان حاصل کند.

حق خروج و ورود به کشور

بنا بر بند دوم ماده ۱۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر، این حق فقط محدود به رفت و آمد داخل مرزهای کشور نمی‌شود و همچنین هر شخصی حق دارد هر کشوری، از جمله کشور خود را ترک کند یا به کشورش برگردد. بر اساس قوانین حقوق بشر، همه‌ی شهروندان یک کشور از حق ترک کشور خود به صورت کوتاه‌مدت، بلندمدت یا دائمی برخوردارند. و نیز در یک شرایط کلی نمی‌توان فردی را به صورت خودسرانه از ورود به کشور خود محروم کرد.



محدودیت‌ها

۱. این حق در مورد شهروندان دیگر کشورها که بنا به دلایل گوناگون (از جمله گردشگری یا کار) وارد یک کشور می‌شوند، ممکن است شامل محدودیت‌هایی شود. به عنوان مثال: افرادی که با ویزای کار وارد کشوری می‌شوند، اجازه‌ی خروج از محدوده‌ی خاص مرتبط با حوزه‌ی کاری خود را نداشته باشند.

۲. بر اساس قوانین بین‌الملل، دولت‌ها می‌توانند در مورد شهروندان خود و تحت شرایطی خاص (از جمله به منظور تأمین امنیت ملی، نظم عمومی، یا سلامت عمومی) محدودیت‌هایی بر حق آزادی رفت و آمد اعمال کنند. به عنوان مثال: در صورتی که فردی متهم یا دارای محکومیت جزایی است، در صورت صلاح دید دادگاه صالح ممکن است ممنوع‌الخروج شود. یا در صورت بروز بیماری واگیردار در یک منطقه، دولت‌ها می‌توانند قانون منع رفت و آمد در مورد آن منطقه اعمال کنند. یا مثلاً به دلیل وجود قانون سربازی اجباری، از خروج افرادی که به سن قانونی سربازی رسیده‌اند به طور موقت و تا پایان دوره‌ی سربازی جلوگیری کنند.

محدودیت‌ها در چه شرایطی قابل قبولند؟

بر اساس نظر «کمیته‌ی حقوق بشر سازمان ملل» مجاز بودن هدف، دلیل کافی برای اعمال محدودیت بر این حق نیست. محدودیت اعمال شده باید بر اساس قوانین موجود وضع شده باشد و باید به منظور حمایت از اهداف و ارزش‌های یک جامعه‌ی دموکراتیک، ضروری در نظر گرفته شود. مهم‌تر اینکه با دیگر حقوق اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر سازگاری داشته باشد. به عنوان مثال: دولت‌ها به بهانه‌ی حفظ نظم عمومی نمی‌توانند از رفت و آمد افراد یک قومیت یا یک ملیت به منطقه‌ی دیگر جلوگیری کنند.





ماده ۱۴

۱) هرکس حق دارد در برابر تعقیب، شکنجه و آزار، پناهگاهی جستجو کند و در کشورهای دیگر پناه اختیار کند.

۲) در موردی که تعقیب واقعاً مبتنی به جرم عمومی و غیرسیاسی یا رفتارهایی مخالف با اصول و مقاصد ملل متحد باشد، نمی‌توان از این حق استفاده کرد.

حق پناهندگی

قرن‌هاست که کشورها از افراد و گروه‌هایی که از آثار و عواقب ناشی از اذیت و آزار دولت‌های خود فرار می‌کنند، حمایت به عمل می‌آورند. هرچند پس از مواجهه‌ی جامعه‌ی جهانی با عواقب جنگ جهانی دوم و مهاجرت میلیون‌ها نفر به کشورهای دیگر بود که پایه و بنیان ساختار امروزین «حقوق پناهندگان» شکل گرفت.

قوانین بین‌الملل

بند یکم ماده ۱۴ اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر - که در سال ۱۹۴۸ به تصویب رسید - حق درخواست و برخورداری از پناهندگی در سایر کشورها را تضمین می‌کند. همچنین اسناد منطقه‌ای حقوق بشر مانند: «کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر» و «منشور آفریقایی حقوق بشر و ملت‌ها» در مورد این حق توضیح داده و تضمین می‌کنند که مطابق مقررات کشورها و کنوانسیون‌های بین‌المللی، [افراد] حق درخواست و [برخورداری از] پناهندگی در یک کشور خارجی را دارند. مهم‌ترین سند بین‌المللی در این راستا، «کنوانسیون امور پناهندگان» مصوب سال ۱۹۵۱ است، که در سال ۱۳۵۵ به تصویب مجلس شورای ملی ایران نیز رسید. این



کنوانسیون تعریف «پناهنده» و همچنین اصل «عدم استرداد» و حقوقی که به افراد پناهنده اعطا می‌شود را تعیین کرده است.

در سطح بین‌المللی، کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل متحد (UNHCR) وظیفه‌ی رهبری و هماهنگ کردن فعالیت‌های بین‌المللی برای محافظت و رفع مشکلات پناهندگان در سراسر جهان را بر عهده دارد.

چه کسی پناهنده است؟

هر فردی که به علت ترس از اینکه به خاطر نژاد، مذهب، ملیت، عضویت در بعضی گروه‌های اجتماعی، یا داشتن عقاید سیاسی تحت شکنجه قرار بگیرد، در خارج از کشور محل سکونت عادی خود به سر می‌برد و نمی‌تواند یا به علت ترس مذکور نمی‌خواهد خود را تحت حمایت آن کشور قرار دهد، پناهنده قلمداد می‌شود.

بر اساس قوانین مربوط به پناهندگان، تعریف پناهنده (Refugee) و پناه‌جو (Asylum Seeker) با هم متفاوت است. پناه‌جو به کسی گفته می‌شود که همچنان به دنبال کسب حمایت بین‌المللی است و درخواست پناهندگی او هنوز از طرف کشوری که درخواست خود را به آن ارائه داده، مورد قبول قرار نگرفته است. در واقع تمام پناهندگان روزی پناه‌جو بوده‌اند، اما لزوماً تمام پناه‌جویان واجد شرایط برخورداری از حق پناهندگی نخواهند بود.

پناهنده‌ها از چه حقوقی برخوردارند؟

بر اساس کنوانسیون ۱۹۵۱ امور پناهندگان، بعضی حقوق برای این افراد به رسمیت شناخته شده است که از جمله آن‌ها می‌توان به: حق آموزش، حق اشتغال، حق مراجعه به دادگاه، و دیگر حقوق و آزادی‌های اساسی اشاره کرد. اما از میان آن‌ها بعضی حقوق از اولویت برخوردارند:



عدم استرداد: هیچ‌یک از دولت‌های متعهد، به هیچ نحو پناهنده‌ای را به سرزمین‌هایی که امکان دارد به دلایل مربوط به نژاد، مذهب، ملیت، عضویت در دسته‌ی اجتماعی به‌خصوص، یا داشتن عقاید سیاسی، زندگی یا آزادی‌اش در معرض تهدید واقع شود، تبعید نخواهند کرد یا باز نخواهند گردانید.

آزادی رفت و آمد: هر یک از دولت‌های متعهد، به پناهندگانی که طبق قانون در سرزمین آن‌ها به‌سر می‌برند حق خواهند داد که محل سکونت خود را انتخاب کرده و آزادانه در داخل سرزمین آن دولت رفت و آمد کنند؛ مشروط به رعایت مقرراتی که عموماً در این‌گونه موارد درباره خارجیان اجرا می‌شود.

حق پناهندگی شامل کدام افراد نمی‌شود؟

۱. مرتکب جنایتی علیه صلح یا بشریت، یا جنایت جنگی شده باشند.
۲. قبل از آنکه در کشور پناهنده‌دهنده به عنوان پناهنده پذیرفته شوند، در خارج از آن کشور مرتکب جنایت عمده‌ای شده باشند که مشمول مجازات عمومی است.
۳. مرتکب اعمالی که مغایر با مقاصد و اصول ملل متحد است شده باشند.



ماده‌ی ۱۵



- ۱) هرکس حق دارد که دارای تابعیت باشد.
- ۲) هیچ‌کس را نمی‌توان خودسرانه از تابعیت خود یا از حق تغییر تابعیت محروم کرد.

حق داشتن تابعیت

این حق یکی از حقوق بنیادین بشر و به معنای حق هر فرد برای به دست آوردن، تغییر و حفظ ملیت است.

بر اساس قوانین بین‌المللی حقوق بشر، حق دولت‌ها برای تصمیم‌گیری در مورد اتباع‌شان مطلق نیست. به‌ویژه اینکه دولت‌ها باید در مورد اعطا کردن یا از بین رفتن ملیت اتباع خود، به تعهدات مربوط به حقوق بشر عمل کنند.

محرومیت خودسرانه تابعیت افراد

«حق داشتن تابعیت» در تعداد زیادی از اسناد حقوقی بین‌المللی به رسمیت شناخته شده است. از جمله در: اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر، کنوانسیون بین‌المللی محو تمامی اشکال تبعیض نژادی، کنوانسیون بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، کنوانسیون حقوق کودکان، کنوانسیون محو تمامی اشکال تبعیض علیه زنان، کنوانسیون تابعیت زنان متاهل، کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت، و کنوانسیون حمایت از حقوق کلیه کارگران مهاجر و اعضای خانواده‌ی آن‌ها.

در مورد ممنوعیت محرومیت خودسرانه از تابعیت، بند دوم ماده‌ی ۱۵ اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر به صورت صریح و شفاف می‌گوید: «هیچ‌کس را نمی‌توان خودسرانه از تابعیت خود یا از حق تغییر تابعیت محروم کرد».



همچنین در اصل ۴۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آمده است: «برخورداری از تابعیت حق مسلم هر فرد ایرانی است و دولت نمی‌تواند از هیچ ایرانی سلب تابعیت کند مگر به درخواست خود او یا در صورتی که به تابعیت کشور دیگری درآید».

افراد بدون تابعیت

اغلب افراد این گروهی خاکی دارای تابعیت کشوری هستند. آن‌ها می‌توانند از کارت شناسایی، گذرنامه، و دیگر مدارک هویتی بدون هیچ مشکلی بهره‌مند شوند. اما در مورد اقلیتی از مردم، همیشه این امکان وجود ندارد. این‌ها کسانی هستند که بنا به دلایل گوناگون (از جمله: جنگ، مسائل اقتصادی، درگیری داخلی، مسائل فرهنگی، یا حقوق بشری) کشورشان را ترک کردند و قصد یا امکان بازگشت به آنجا را ندارند و نیز مایل نیستند تحت حمایت کشور خود باقی بمانند. این افراد «بدون تابعیت» قلمداد می‌شوند و تلاش دارند برای زندگی بهتر، به تابعیت کشور دیگری درآیند. در بسیاری موارد نیز افراد بدون تابعیت در کشور خودشان به سر می‌برند، یعنی آن‌ها فاقد هرگونه اوراق هویتی هستند. این مسئله می‌تواند به دلایل مختلفی رخ بدهد. از جمله: فقر مالی، فقر فرهنگی، یا اعمال تبعیض علیه یک گروه قومی، نژادی، زبانی یا مذهبی توسط حکومت‌ها.

* طبق اعلام [مراجع رسمی](#)، متأسفانه در ایران نزدیک به یک میلیون نفر بدون تابعیت هستند که بیش‌تر آن‌ها در مناطق مرزی مانند سیستان و بلوچستان سکونت دارند.

مشکلات افراد بدون تابعیت

انسان‌ها به صورت ذاتی دارای حقوقی هستند، اما بدون تابعیت عملاً برخورداری از بسیاری از این حقوق ناممکن خواهد بود؛ چراکه در این صورت مشخص نیست کدام دولت در برابر شما مسئولیت دارد. به عنوان مثال: افراد بدون مدارک شناسایی و هویتی امکان رفتن به مدرسه، برخورداری از تأمین اجتماعی، اشتغال به کار رسمی، ازدواج، بیمه و... را ندارند.



ماده ۱۶



۱) هر زن و مرد بالغی حق دارند بدون هیچ‌گونه محدودیت از نظر نژاد، ملیت، تابعیت یا مذهب، با همدیگر زناشویی کنند و تشکیل خانواده دهند. در تمام مدت زناشویی و هنگام انحلال آن، زن و شوهر در کلیه امور مربوط به ازدواج، دارای حقوق مساوی هستند.

۲) ازدواج باید با رضایت کامل و آزادانه‌ی زن و مرد واقع شود.

۳) خانواده رکن طبیعی و اساسی اجتماع است و حق دارد از حمایت جامعه و دولت بهره‌مند شود.

حق ازدواج

اکثر ۳۰ ماده‌ی اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر با ادبیاتی خنثی و بدون اشاره به جنسیت آغاز می‌شود. مانند: «هرکس»، «همه»، «هیچ‌کس» اما ماده‌ی ۱۶ اعلامیه‌ی جهانی بیان می‌کند که «زن و مردان» حق ازدواج و تشکیل خانواده دارند.

هدف از به‌کار بردن این دو واژه، تاکید بر این امر است که زن و مرد در ازدواج و تشکیل خانواده از حقوق برابر با یکدیگر برخوردارند. به مرور زمان و تغییرات اجتماعی و فرهنگی صورت گرفته در جوامع گوناگون، بعضی از مفسران این‌طور تعبیر کردند که این ماده فقط به ازدواج زوج‌های دگرجنس‌گرا می‌پردازد. اما تفاسیر اخیر به این صورت است که به جای تاکید بر ازدواج زوج‌های غیرهمجنس با یکدیگر، به صراحت بیان می‌کند: مردان و زنان بزرگسال (بالغ) در هنگام ازدواج و هنگام طلاق از حقوق برابر برخوردارند.

در همین راستا و با توجه به اهمیت جایگاه خانواده، اصل دهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز بر «به‌کارگیری همه‌ی قوانین و ضوابط به منظور تسهیل تشکیل خانواده» تاکید می‌کند.



تاریخچه

تصویب این ماده در اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر در واقع واکنشی بود به قوانین محدود کننده‌ی کشور آلمان در زمان حکومت نازی، که هرگونه ازدواج افراد از نژادهای دیگر با یکدیگر را ممنوع کرده بود. و همچنین تلاشی بود در راستای حق ازدواج و تشکیل خانواده توسط «مردان و زنان بالغ بدون محدودیت از نظر نژاد، ملیت یا دین و مذهب».

سن ازدواج

اگرچه در اسناد بین‌المللی حقوق بشر عدد مشخصی برای سن ازدواج زنان و مردان تعیین نشده، اما همواره تاکید بر آن است ازدواج در سنی صورت بگیرد که امکان رضایت کامل و آزادانه‌ی فرد وجود داشته باشد؛ یعنی فرد از آگاهی و اختیار کافی برای ازدواج برخوردار باشد. در کشورهای مختلف بر اساس مولفه‌های گوناگون فرهنگی، تاریخی و مذهبی، سنین متفاوتی برای ازدواج تعیین شده است. از جمله در ایران که ازدواج دختر قبل از رسیدن به سن ۱۳ سال تمام شمسی و پسر قبل از رسیدن به سن ۱۵ سال تمام شمسی منوط به «اجازه‌ی ولی و به شرط رعایت مصلحت با تشخیص دادگاه صالح» است. بنابراین مطابق این قانون پدران نمی‌توانند دختران‌شان را در سنین پایین و بنا به دلخواه و صلاحدید خود شوهر بدهند. اما نکته‌ی مهم در این میان اینکه تاکنون حداقل سن قانونی برای ازدواج در ایران از سوی قانونگذار تعیین نشده است.

حداقل سن ازدواج قانونی در برخی از کشورهای همسایه ایران

کشور	دختر	پسر	توضیحات
افغانستان	۱۶	۱۸	
ارمنستان	۱۶	۱۶	



آذربایجان	۱۷	۱۸
عراق	۱۵	۱۵
کویت	۱۵	۱۷
پاکستان	۱۶	۱۸
ترکیه	۱۶	۱۶ با اجازه‌ی دادگاه

ازدواج کودکان / ازدواج اجباری

پاراگراف دوم ماده‌ی ۱۶ اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر می‌گوید: «ازدواج باید بر اساس رضایت کامل و آزادی فرد شکل بگیرد». این مسئله در کنار کلمه‌ی «بالغ» در پاراگراف اول، عملاً منجر به ممنوعیت ازدواج کودکان و هرگونه ازدواج اجباری می‌شود، چون در این شرایط افراد در موقعیت تصمیم‌گیری کامل و آزادانه نیستند. هرچند پدیده‌ی ازدواج کودکان [کودک‌همسری] همچنان یکی از مسائلی است که منجر به نقض حقوق میلیون‌ها دختر در سراسر جهان می‌شود و به طور متوسط هر ماه حدود یک میلیون دختر زیر ۱۸ سال ازدواج می‌کنند.

ازدواج اجباری نیز به این صورت انجام می‌گیرد که به دلیل آداب و رسوم خاص فرهنگی یک منطقه یا به دلیل فقر گسترده و به منظور استفاده از پول مهریه، دختران مجبور به ازدواج با مردانی می‌شوند که نه تنها هیچ علاقه‌ای به آن‌ها ندارند بلکه ممکن است از نظر سنی تفاوت زیادی با یکدیگر داشته باشند. همچنین در بعضی مناطق به دلیل آداب و رسوم موجود، عروس و داماد توسط افراد دیگری مانند پدر و مادر، بزرگ‌خانان یا قبیله انتخاب می‌شوند. در این حالت، «ازدواج از پیش تعیین شده» شکل می‌گیرد و بنا به شرایط موجود هیچ امکانی برای ابراز نظر و عقیده‌ی عروس و داماد وجود ندارد.





ماده ۱۷

- (۱) هر شخص به تنهایی یا همراه دیگران، حق مالکیت دارد.
- (۲) هیچ کس را نمی‌توان خودسرانه از حق مالکیت محروم کرد.

حق مالکیت

موضوع حق مالکیت - همان‌طور که معمولاً استنباط می‌شود- شامل اموالی است که در حال حاضر تحت مالکیت فرد قرار دارد یا اموالی که از طریق قانونی به دست آمده یا به دست خواهد آمد.

در اصل‌های ۲۲ و ۴۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، احترام به حق مالکیت افراد مورد تاکید قرار گرفته؛ ولی با قید «مگر به حکم قانون» در انتهای اصل ۲۲، مطلق بودن این اصل را از میان برداشته است. البته در همه‌ی اسناد بین‌المللی حقوق بشر به صورت آشکار یا ضمنی، محدودیت‌هایی در خصوص حفاظت از مالکیت وجود دارد.

یک حق جنجالی

حق مالکیت یکی از جنجالی‌ترین حقوق ذکر شده در اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر است و خلاف دیگر حقوق، در کنوانسیون‌های بین‌المللی از جمله «کنوانسیون بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی» و «کنوانسیون بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی» به این حق پرداخته نشده است. مهم‌ترین مجادلات اساسی در مورد حق مالکیت، بر سر این است که در واقع حق مالکیت چه کسی مورد حمایت قرار می‌گیرد (افراد یا شرکت‌های بزرگ)؟ یا اینکه چه نوع مالکیتی مورد حمایت قرار می‌گیرد (اموال استفاده‌شده برای مصرف یا تولید)؟ و همچنین تحت چه



شرایطی امکان دارد این حق تحت محدودیت قرار بگیرد؟ مثلاً: به منظور دریافت مالیات یا در شرایط ملی شدن.

تاریخچه

تبیین حق مالکیت در اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر، در واکنش به مصادره‌ی اموال یهودیان و دیگر دشمنان نازی‌ها طی جنگ جهانی دوم بود. در واقع ریشه‌ی این حق به چندین قرن پیش و به دوران نوزایی (رنسانس) در اروپا برمی‌گردد. در قرن ۱۶ نیز اصلاحگران مذهبی اقدام به توسعه‌ی مفهوم این حق کردند. «حق مالکیت خصوصی» به دنبال تلاش‌های حقوق بشری در فضای انقلابی قرن هفدهمی اروپا و در مقابل دولت شکل گرفت، اما در ادامه و در قرون ۱۸ و ۱۹ حق مالکیت به عنوان حقوق بشر، به موضوعی جنجال‌برانگیز تبدیل شد. پس از جنگ جهانی دوم و به‌ویژه دوران جنگ سرد نیز این حق به دلیل اختلاف نظر جدی که بین دولت‌های غربی و کشورهای بلوک شرق وجود داشت نتوانست به کنوانسیون‌های حقوق مدنی و سیاسی و حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی راه یابد.

آیا این حق کاربردی نیست؟

وجود اختلاف نظرهای گسترده در مورد این حق به این معنا نیست که حق مالکیت در عرصه‌ی بین‌الملل و داخلی عملاً به حقی بدون کاربرد تبدیل شده است. باید توجه داشت امری که همواره در این میان بر آن تاکید شده است اینک: «هیچ‌کس نباید به صورت خودسرانه [غیرقانونی] از مالکیت بر اموال خود محروم شود». امروزه این تاکید بیش‌تر در مورد اعمال مالکیت گروه‌های اقلیت و بومیان بر سرزمین‌های آبا و اجدادی خود به‌کار می‌رود؛ از جمله حق مالکیت بومیان استرالیا بر بخش‌هایی از صحراهای این کشور که توسط دولت نقض شده بود، به واسطه‌ی این حق به آن‌ها بازگردانده شد.



ماده ۱۸



- هرکس حق دارد از آزادی فکر، وجدان و مذهب بهره‌مند شود. این حق متضمن آزادی تغییر مذهب یا عقیده، همچنین آزادی اظهار عقیده و ایمان است و نیز شامل تعلیمات مذهبی و اجرای مراسم دینی می‌شود. هرکس می‌تواند از این حقوق به تنهایی یا گروهی به شکل خصوصی یا عمومی برخوردار باشد.

آزادی عقیده، مذهب و وجدان

حق بر آزادی عقیده، مذهب و وجدان به صورت مشترک در قالب یک حق در نظر گرفته می‌شود و علاوه بر تضمین آزادی‌های فردی، هم‌زمان به عنوان تضمین آزادی جمعی و گروهی به منظور تشکیل اجتماعات مذهبی، انجام مناسک و تبلیغ عقیده در نظر گرفته می‌شود.

تمامی افراد به صرف انسان بودن می‌توانند از این حق برخوردار باشند و در شرایط خاص مانند جنگ، قحطی، خشکسالی و امثال آن - که افراد ممکن است مجبور به ترک کشور خود شوند و هنوز به تابعیت کشور دیگری در نیامده‌اند - نمی‌توان آن‌ها را از حق برخورداری از آزادی عقیده، مذهب و وجدان محروم کرد.

* این حق دو جنبه‌ی مهم از حقوق بشر را شامل می‌شود:

۱. حق نگه‌داشتن یا تغییر دین یا سایر عقاید

۲. حق ابراز علنی اندیشه و عقاید (آشکارسازی عقیده)



حق اعتقاد داشتن / نداشتن و تغییر دین یا دیگر عقاید، یک حق مطلق قلمداد می‌شود. به این معنی که تحت هیچ شرایطی نمی‌توان آن را نادیده گرفت یا نقض کرد. رابطه‌ی این حق با حق آزادی بیان و حق بر عدم تبعیض بسیار نزدیک است.

آیا فقط دین‌داران حق دارند؟

پاسخ به این سوال منفی است. چتر حمایتی این حق به یک اندازه از تمامی اعتقادات خداپرستانه، غیرخداپرستانه، الحادی، و همچنین حق بر عدم اعتقاد به دین و عقیده حمایت می‌کند.

محدودیت‌ها

حق ابراز علنی اندیشه و عقاید و مذهب، ممکن است تحت شرایط خاصی با محدودیت مواجه شود. این محدودیت‌ها فقط زمانی از سوی مقامات قابلیت اعمال و اجرا دارد که قانونی، ضروری و متناسب با قصد حفاظت از شرایطی مانند: امنیت و نظم عمومی، سلامت، و حقوق و آزادی‌های دیگران باشد.

قانون چه می‌گوید؟

ماده‌ی ۱۸ اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر بهره‌مندی هر فرد از آزادی اندیشه، وجدان و دین را به عنوان یک حق اعلام می‌کند و همچنین تاکید دارد که این حق شامل آزادی تغییر دین یا اعتقاد، و آزادی اظهار دین یا عقیده به صورت تبلیغ یا اجرای آداب و رسوم دینی به صورت جمعی و فردی و به شکل خصوصی و عمومی نیز می‌شود.

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با وجود تاکید بر «منع تفتیش عقاید» در اصل ۲۳ و همچنین ممنوعیت بازخواست و محاکمه‌ی افراد به صرف داشتن عقیده، اما در اصل ۱۲ با تعیین



دین و مذهب رسمی و در ادامه در اصل ۱۳ با به رسمیت شناختن ادیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی به عنوان تنها اقلیت‌های دینی به رسمیت شناخته شده، عملاً ضمن زیر پا گذاشتن اصل عدم تبعیض، ماده‌ی ۱۸ اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر را نیز نقض کرده است. به عنوان مثال: در این حالت بهایان و پیروان سایر ادیان یا خداناباوران به رسمیت شناخته نشده و از حقوق کامل شهروندی بهره‌مند نیستند.



ماده‌ی ۱۹



- هرکس حق آزادی عقیده و بیان دارد، و حق مزبور شامل آن است که از داشتن عقاید خود بیم و اضطرابی نداشته باشد و در کسب اطلاعات و افکار و در اخذ و انتشار آن به تمام وسایل ممکن و بدون ملاحظات مرزی آزاد باشد.

حق آزادی عقیده و بیان

آیا آزادی بیان به این معنی است که شما می‌توانید هر چیزی را در هر زمینه‌ای و هر زمانی که تمایل دارید بیان کنید؟ پاسخ منفی است!

تعریف: «آزادی بیان به این معنی است که شما می‌توانید از هر طریقی اطلاعات و ایده‌های گوناگون را جستجو، دریافت و منتشر کنید.»

آزادی بیان و عقیده شامل تمام ایده‌ها می‌شود، حتی آن‌هایی که ممکن است عمیقاً تهاجمی و آزاردهنده باشند. اما این آزادی همراه با مسئولیت‌هایی برای فرد یا افراد خواهد بود و در همین راستا می‌تواند شامل محدودیت‌های قانونی شود.

در چه شرایطی آزادی بیان می‌تواند محدود شود؟

شاید انتظار شنیدن این حرف را نداشته باشید اما آزادی بیان و عقیده می‌تواند با محدودیت‌هایی همراه شود. دولت‌ها وظیفه دارند تا اظهارات تنفربرانگیز و تحریک‌آمیز را محدود کنند؛ محدودیت‌هایی که می‌تواند به دلایل حفاظت از منافع عمومی یا حقوق و اعتبار دیگران اعمال شود. اما هرگونه اعمال محدودیت بر آزادی بیان و عقیده باید به صورتی که برای همگان قابل



فهم باشد در قانون به روشنی بیان شده باشد. افرادی که این محدودیت‌ها را اعمال می‌کنند (خواه دولت باشد، خواه کارفرما، یا افراد دیگر) باید دلایل متناسب و شایسته‌ای برای این کار خود ارائه دهند. این روند باید توسط ابزارهای حفاظتی که مانع از سواستفاده از این محدودیت‌ها می‌شود و همچنین شرایط لازم برای درخواست تجدیدنظر در اعمال محدودیت‌ها را پی‌گیری می‌کند، حمایت شود.

چه زمانی آزادی بیان نمی‌تواند محدود شود؟

تمام محدودیت‌هایی که با شرایط بیان شده مطابقت ندارد، در صورت اجرا، نقض آزادی بیان و عقیده محسوب می‌شود.

بررسی و موازنه

شرایط خاص: هرگونه محدودیت باید تا حد ممکن به صورت خاص و ویژه در نظر گرفته شود. به عنوان مثال نمی‌توان تمام یک وبسایت را فقط به دلیل وجود مشکل در یکی از صفحات آن مسدود [فیلتر] کرد.

امینت ملی و نظم عمومی: به منظور جلوگیری از استفاده‌ی ابزاری برای اعمال محدودیت‌های گسترده، این عنوان باید به صورت دقیق در قانون تعریف شده باشد.

اخلاق: این مسئله موضوع عینی نیست، اما هر محدودیتی نباید صرفاً بر اساس یک آداب و رسوم و مذهب اعمال شود، و همچنین نباید منجر به اعمال تبعیض علیه هیچ فردی شود که در کشور مشخصی زندگی می‌کند.



حقوق و اعتبار دیگران: مسئولان دولتی در مقایسه با افراد عادی باید از ظرفیت نقدپذیری بیشتری برخوردار باشند. بنابراین قوانین مربوط به توهین [به مقامات] که مانع از انتقادهای مشروع به دولت یا مقامات دولتی می‌شود، مصداق نقض آزادی بیان است.

توهین به مقدسات: حفاظت از عقاید مذهبی و باورها یا حساسیت‌هایی که مردم به آن‌ها باور دارند، زمینه‌ای برای محدودیت آزادی بیان محسوب نمی‌شود.

رسانه‌ها و روزنامه‌نگاران: روزنامه‌نگاران و بلاگرها به دلیل کاری که انجام می‌دهند، به طور مشخص در معرض خطر قرار دارند. بنابراین کشورها در برابر حفاظت از حق آزادی بیان این افراد مسئولیت دارند. اعمال محدودیت بر نشریات، رادیو و تلویزیون، و سایر رسانه‌ها می‌تواند بر حق آزادی بیان همگان تاثیر بگذارد.

افشاگرها:^۶ دولت‌ها/ حکومت‌ها نباید علیه افرادی که موارد نقض حقوق بشر را افشا می‌کنند اقدام نمایند.

حقوق و مسئولیت‌ها

آزادی بیان یکی از مهم‌ترین حقوق ماست و هم‌زمان یکی از مواردی است که بیش از سایر حقوق مورد سوتفاهم و بدفهمی قرار می‌گیرد.

^۶ Whistleblowers





ماده‌ی ۲۰

- ۱) هرکس حق دارد آزادانه مجامع و جمعیت‌های مسالمت‌آمیز تشکیل دهد.
- ۲) هیچ‌کس را نمی‌توان مجبور به شرکت در اجتماعی کرد.

حق اعتراض

«حق بر آزادی تجمعات مسالمت‌آمیز» بعضی مواقع به همراه «حق آزادی تشکیل گروه‌ها» به کار گرفته می‌شود. این حق می‌تواند به صورت فردی یا گروهی به صورت شکل‌دهی جمعیت‌ها به منظور بیان، پیش‌برد، پی‌گیری و دفاع از عقاید و نظرات، مورد استفاده قرار بگیرد. این حق در بند نخست ماده‌ی ۲۰ اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر مورد تأیید قرار گرفته است.

همچنین در اصل ۲۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز این حق به رسمیت شناخته شده است: «تشکیل اجتماعات و راهپیمایی‌ها، بدون حمل سلاح، به شرط آنکه مخل مبانی اسلام نباشد آزاد است.»

منظور از تجمع چیست؟

«تجمع» به معنی حضور آگاهانه و موقتی تعدادی از افراد در یک مکان عمومی به منظور پیش‌برد [بیان] هدفی مشترک است. طبق این تعریف، هرچند بعضی از اشکال تجمعات نیازمند شرایط نظارتی خاص به منظور کنترل بهتر هستند، اما تمامی انواع تجمعات صلح‌آمیز (چه آن‌ها که به صورت ثابت در یک مکان انجام می‌شوند، یا آن‌ها که به صورت متحرک از مکانی به مکان دیگر صورت می‌گیرند) باید مورد حمایت باشند.



فقط تجمعات مسالمت آمیز مورد حمایت هستند

در شرایطی که برگزارکنندگان تجمع، اهداف مسالمت آمیز و رفتار غیرخشونت بار را برای اقدام خود تعریف کنند، باید به عنوان تجمع صلح آمیز به رسمیت شناخته شوند. واژه‌ی «صلح آمیز» باید به گونه‌ای تفسیر شود تا شامل رفتارهایی نباشد که ممکن است منجر به اذیت و آزار دیگران بوده، و حتی موقتاً منجر به ایجاد مانع یا مزاحم فعالیت‌های اشخاص دیگر شود.

نقش دولت‌ها

حق بر آزادی تجمعات مسالمت آمیز بخشی از حقوق سیاسی و آزادی‌های مدنی افراد در یک جامعه است و به عنوان «حق بر اعتراض» نیز در نظر گرفته می‌شود. دولت‌ها وظیفه دارند تمامی شرایط لازم برای برآورده شدن این حق را فراهم آورند، به‌ویژه در شرایطی که تجمع‌کنندگان در اعتراض به سیاست‌های عمومی و در راستای به‌چالش کشیدن دولت/حکومت دست به تجمع زده باشند.

حق بر تجمع مسالمت آمیز شامل حق بر انتخاب آزادانه‌ی زمان و مکان تجمع (از جمله: خیابان‌ها، جاده‌ها، و میدان‌ها) می‌شود.

سواستفاده‌ی دولت‌ها

دولت‌ها اغلب به منظور سرکوب مخالفان یا صداهای منتقد، این حق را نقض می‌کنند. حق بر اعتراضات مسالمت آمیز در واقع هسته‌ی اصلی حق بر تجمعات مسالمت آمیز است. هرچند در بسیاری مواقع تجمع‌کنندگان مورد بازداشت، تهدید و خشونت قرار می‌گیرند.

در بعضی مواقع دولت‌ها هماهنگی یا شرکت در تجمعات صلح آمیز را جرم تلقی می‌کنند، یا حتی در مواردی ممکن است تفسیر قوانین به صورتی انجام شود که بازداشت معترضان را مشروع تلقی



کند. روش‌های ایجاد ترس و وحشت میان مردم (مانند آنچه که بیان شد) غالباً منجر به ایجاد فرهنگ «خودسانسوری» در جوامع می‌شود.

نقض حق بر تجمعات آثار بسیار جدی بر جوامع دارد. از جمله: طرد گفتگوی آزادانه و متکثر، و سرکوب هدف اصلی جامعه‌ی مدنی مبنی بر به‌چالش کشیدن صاحبان قدرت.

دولت‌ها باید از اعمال هرگونه محدودیت بر این حق به بهانه‌های مختلف و سواستفاده از مفاهیمی مثل مبارزه با تروریسم و حفظ امنیت ملی، پرهیز کنند.

چارچوب قوانین کشورها باید از مقررات روشن، موثر و منطقی در زمینه‌ی رعایت حق اعتراض برخوردار باشد و اعمال هرگونه محدودیت بر این حق باید به عنوان «آخرین گزینه» در نظر گرفته شود. حق بر اعتراض مبتنی بر به رسمیت شناختن آزادی بیان و عقیده، انجمن‌ها و تجمعات مسالمت‌آمیز است.





ماده ۲۱

(۱) هرکس حق دارد که در اداره‌ی امور عمومی کشور خود، خواه مستقیماً و خواه با وساطت نمایندگان که آزادانه انتخاب شده باشند، شرکت جوید.

(۲) هرکس حق دارد با تساوی شرایط، به مشاغل عمومی کشور خود نائل آید.

(۳) اساس و منشاء قدرت حکومت، اراده‌ی مردم است. این اراده باید به وسیله‌ی انتخاباتی ابراز گردد که از روی صداقت و به شکل ادواری صورت پذیرد. انتخابات باید عمومی و با رعایت مساوات باشد، و با رأی مخفی یا روشی نظیر آن انجام گیرد که آزادی رأی را تأمین نماید.

در یک انتخابات آزاد چگونه می‌توان انتخاب کرد و انتخاب شد؟

«حق مشارکت در امور عمومی» از جمله مشارکت در انتخابات (انتخاب کردن و انتخاب شدن) یکی از اصول پایه‌ای دولت‌های دموکراتیک مبتنی بر خواست و اراده‌ی مردم است. بر همین اساس یک انتخابات عادلانه، اصل ضروری و بنیادین شرایطی است که حامی و مروج حقوق بشر به شمار می‌رود. این حق در اصل سوم ماده‌ی ۲۱ اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر به رسمیت شناخته شده است.



شاخصه‌های اصلی یک انتخابات سالم و آزاد

بر اساس قوانین بین‌المللی حقوق بشر، ۴ مؤلفه‌ی اصلی برای تعیین یک انتخابات به عنوان انتخاباتی سالم و آزاد در نظر گرفته شده است:

- حق رأی عمومی و برابر
- حق رأی پنهانی
- برگزاری انتخابات در دوره‌های زمانی مناسب و مشخص
- عدم تبعیض میان رأی‌دهندگان، نامزدهای انتخاباتی یا احزاب

ارتباط با سایر حقوق

حق بر انتخاب کردن و انتخاب شدن در یک انتخابات سالم و دوره‌ای، به صورت ذاتی با تعداد دیگری از حقوق بشر ارتباط مستقیم دارد. شرط برخورداری از این حق، مستلزم برخورداری از حقوق دیگری از جمله: حق منع تبعیض، حق آزادی عقیده و بیان، حق آزادی اجتماعات و تجمعات صلح‌آمیز، و حق آزادی رفت و آمد است.

وظیفه‌ی دولت‌ها

وظیفه‌ی برگزاری یک انتخابات عادلانه و دوره‌ای، به عهده‌ی دولت‌هاست. به این معنی که دولت‌ها باید تمام پیش‌شرط‌های لازم برای برگزاری انتخابات بر اساس استانداردهای از پیش تعریف شده و مطابق اصول حقوق بشری، برای تمامی شهروندان و بدون اعمال هرگونه تبعیض را فراهم کنند.

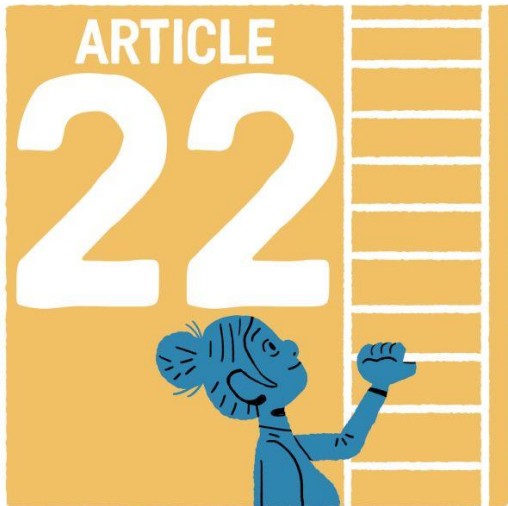


آیا این حق شامل محدودیت نیز می‌شود؟

پاسخ مثبت است. دولت‌ها می‌توانند برای برگزاری انتخابات، بعضی محدودیت‌ها که از سوی قانونگذاران تعیین شده است را اعمال کنند. به عنوان مثال: برای کاندید شدن افراد می‌توان شرط سنی، تحصیلات و مواردی از این دست را در نظر گرفت. یا در بعضی از کشورها به دلیل حساسیت‌ها و شرایط خاص آن کشور، نظامیان از حضور در انتخابات منع شده‌اند. باید توجه داشت که هیچ‌گونه محدودیتی که خلاف روح و اهداف اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر و به منظور محروم یا محدود کردن شخص یا اشخاصی از حضور در روند انتخابات باشد، مجاز تلقی نمی‌شود. به عنوان نمونه: نمی‌توان هیچ فردی را به صرف برخورداری از عقیده و دیدگاهی که خلاف نظر جریان حاکم باشد، از شرکت در انتخابات محروم کرد.



ماده ۲۲



- هرکس به عنوان عضو اجتماع حق امنیت اجتماعی دارد و مجاز است به وسیله‌ی مساعی ملی و همکاری بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خود را که لازمه‌ی مقام و نمو آزادانه‌ی شخصیت او است، با رعایت تشکیلات و منابع هر کشور به دست آورد.

حق تأمین اجتماعی

به منظور فراهم آوردن رفاه اجتماعی، دولت‌ها موظف به حمایت از همه‌ی افراد به‌ویژه اعضای آسیب‌پذیر جامعه (از جمله: افراد کم‌درآمد، زنان سرپرست خانواده، افراد دارای معلولیت و...) در شرایطی مانند بی‌کاری، زایمان، تصادف، بیماری، معلولیت، کهنسالی و دیگر مواردی از این قبیل هستند. دولت‌ها باید به صورت تدریجی حق برخورداری از تأمین اجتماعی را از طریق ابزارهای حمایتی فراهم آورند. از جمله با پرداخت پول نقد، یا به صورت مواردی که افراد و خانواده‌ها را در زمینه‌ی نیازهای اساسی بهداشتی، سرپناه و مسکن، آب و سیستم تصفیه‌ی فاضلاب، غذا، و نیز امکان آموزش در سطوح ابتدایی توانمند سازد.

چرا به تأمین اجتماعی نیاز است؟

به دلیل توزیع عادلانه‌ی امکانات برای همه‌ی افراد جامعه، این مسئله نقش اساسی در انسجام و همبستگی اجتماعی و ریشه‌کنی فقر دارد. در همین راستا، تأمین اجتماعی باید بر اساس اصل عدم تبعیض انجام شود و هیچ فردی در جامعه نباید به خاطر مذهب، عقیده، نژاد، زبان، و مواردی از این قبیل از آن محروم شود.



در اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر و قانون اساسی ایران

تأمین اجتماعی به عنوان یکی از پیش‌نیازهای اساسی تأمین حداقل‌های استاندارد زندگی، تضمین‌کننده‌ی شأن و کرامت انسان‌ها است. به همین جهت در مواد ۲۲ و ۲۵ اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر، این حق تبیین شده. با توجه به اهمیت و آثاری که تأمین اجتماعی می‌تواند بر فرد و جامعه داشته باشد، اصل ۲۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز به این موضوع اختصاص یافته و می‌گوید: «برخورداری از تأمین اجتماعی از نظر بازنشستگی، پیری، از کار افتادگی، بی‌سرپرستی، در راه ماندگی، حوادث و سوانح، نیاز به خدمات بهداشتی- درمانی و مراقبت‌های پزشکی به صورت بیمه و غیره، حقی است همگانی.»

ویژگی‌های تأمین اجتماعی

برای اینکه حق تأمین اجتماعی به درستی از سوی دولت‌ها فراهم شود، استانداردهای مشخصی از سوی سازمان ملل متحد و به‌ویژه کمیته‌ی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مشخص شده که شامل موارد زیر است.

دسترسی: کشورها باید اطمینان حاصل کنند که سیستم تأمین اجتماعی برای ارائه‌ی خدمات و امکانات به منظور تأثیرگذاری بر معیشت افراد، در دسترس همگان قرار گرفته باشد. این سیستم باید توسط دولت‌ها اداره یا تنظیم شود و به صورتی پایدار باید امکان فراهم‌آوردن خدمات برای چندین نسل را داشته باشد.

پوشش لازم: نظام تأمین اجتماعی دولتی باید خدمات مورد نیاز را در ۹ حوزه فراهم آورد: خدمات بهداشتی، بیماری، کهولت سن، بی‌کاری، حوادث شغلی، حمایت از خانواده و کودک، زایمان، معلولیت، و بازماندگان.



بَسَنَدگی (کافی بودن): خدمات تأمین اجتماعی باید از نظر مقدار و طول مدت، به اندازه‌ای باشد که اطمینان حاصل شود حقوق خدمات‌گیرندگان (از جمله در حمایت از خانواده، حداقل‌های استاندارد برای زندگی، و دسترسی کافی به مراقبت‌های بهداشتی) تضمین می‌شود.

برخورداری: همه‌ی افراد به‌ویژه اقشار محروم و طردشده‌ی جامعه باید بدون هیچ‌گونه تبعیض و ممنوعیت، تحت پوشش خدمات تأمین اجتماعی دولتی قرار داشته باشند.





ماده ۲۳

(۱) هرکس حق دارد کار کند، کار خود را آزادانه انتخاب نماید، شرایط منصفانه و رضایت‌بخشی برای کار خواستار باشد، و در مقابل بی‌کاری مورد حمایت قرار گیرد.

(۲) همه حق دارند که بدون هیچ تبعیضی، در برابر کار مساوی، اجرت مساوی دریافت دارند.

(۳) هرکس که کار می‌کند به مزد منصفانه و رضایت‌بخشی ذی‌حق می‌شود که زندگی او و خانواده‌اش را موافق شئون انسانی تأمین کند و آن را در صورت لزوم با هر نوع وسائل دیگر حمایت اجتماعی تکمیل نماید.

(۴) هرکس حق دارد که برای دفاع از منافع خود با دیگران اتحادیه تشکیل دهد و در اتحادیه‌ها نیز شرکت کند.

حق اشتغال

برخورداری از کار مناسب، یکی از مهم‌ترین حقوق بشر است که تضمین‌کننده‌ی بهره‌مندی افراد از دیگر حقوق خود است. در اسناد بین‌المللی حقوق بشر، کار مناسب به منظور تأمین معیشت فرد و خانواده او، به عنوان بخشی از حقوق اجتماعی به صورت مجزا یا ذیل حق برخورداری از وضعیت مناسب برای زندگی تعریف شده است.



حق اشتغال در قوانین

اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر در ماده‌ی ۲۳ بیان می‌کند که هر فردی حق دارد شغل‌اش را آزادانه انتخاب کند و شرایط منصفانه و رضایت‌بخشی را برای کار خود خواستار باشد. همچنین در ادامه تاکید می‌کند که همه‌ی افراد باید بدون هیچ تبعیضی در مقابل کار مساوی، حقوق و دستمزد مساوی دریافت کنند؛ به گونه‌ای که زندگی او و خانواده‌اش را بر اساس حیثیت و کرامت انسانی تأمین کند. و در این راستا هر فردی حق دارد برای دفاع از منافع خود با دیگران اتحادیه [سندیکا] تشکیل دهد یا به اتحادیه‌های موجود بپیوندد.

در اصل ۲۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، حق اشتغال آزادانه به رسمیت شناخته شده و دولت را موظف کرده است تا امکان اشتغال به کار بر اساس شرایط مساوی برای همه‌ی افراد را فراهم آورد. همچنین در زمینه‌ی حق تشکیل یا عضویت در سندیکاهای کارگری، مطابق اصل ۲۶ قانون اساسی هیچ‌کس را نمی‌توان از شرکت یا عضویت در اتحادیه‌ها منع کرد.

کار مناسب

چه نوع کاری مناسب تلقی می‌شود؟ آیا دستفروشی، قاچاق سوخت یا کولبری صرفاً به این دلیل که ممکن است درآمد داشته باشند، کار مناسب ارزیابی می‌شوند و دولت‌ها می‌توانند افرادی که در این حیطه مشغول به کار هستند را به عنوان آمار افراد شاغل در نظر بگیرند؟

شورای اقتصادی، اجتماعی سازمان ملل متحد تعریف مشخصی از «کار مناسب» (Decent Work) ارائه می‌دهد: «کار مناسب نوعی از اشتغال است که به حقوق اساسی شخص و نیز حقوق کارگران از نظر شرایط ایمنی کار و پاداش احترام می‌گذارد [...] و شرایط روحی و جسمی کارگران در انجام کارشان را در نظر می‌گیرد.»

همچنین بر اساس تعریف «سازمان جهانی کار» (ILO) کار مناسب شامل فرصت‌هایی برای کار مولد و با درآمد عادلانه، امنیت در محل کار، تأمین اجتماعی مناسب برای خانواده‌ی کارگر،



امکان پیشرفت شغلی، امکان آزادی بیان نظرات در زمینه‌ی مسائل شغلی و مشارکت در تصمیم‌هایی که بر زندگی آن‌ها تاثیر می‌گذارد، و نیز برابری فرصت‌ها برای تمام مردان و زنان است.

بنابراین مشاغلی مانند آنچه که پیش‌تر بیان شد به این دلیل که از هیچ‌کدام از امکانات و شرایط کار شایسته و مناسب برخوردار نیستند، به عنوان «مشاغل کاذب» تلقی می‌شوند.





ماده ۲۴

- هرکس حق استراحت، فراغت و تفریح دارد و به خصوص به محدودیت معقول ساعت‌های کار و مرخصی‌های ادواری با اخذ حقوق، ذی‌حق است.

حق استراحت و اوقات فراغت

قرن‌هاست که کارگران برخوردار از حق استراحت و اوقات فراغت را به عنوان یکی از اصلی‌ترین خواسته‌هایشان پی‌گیری می‌کنند و در این مسیر، جنبش‌های کارگری برای دستیابی و تضمین این حق سخت تلاش کرده‌اند؛ خواسته‌ای که غالباً از طریق مرخصی با حقوق و محدودیت در ساعات کاری تضمین می‌شود.

برای اکثر کارفرمایان به‌ویژه در بخش خصوصی، موضوعاتی مثل مرخصی با حقوق، استراحت و فراغت بیش‌تر به یک شوخی شبیه است! آن‌ها انتظار دارند کارگران تا جایی که می‌توانند مانند یک ماشین و با کم‌ترین توقعات و امکانات، بیش‌ترین بازدهی را برایشان داشته باشند.

تأثیرهای منفی کار زیاد

در واقع از قرون گذشته این مسئله آشکار شده که ساعات زیاد کار، منجر به بروز خطراتی برای سلامت کارگران و خانواده‌هایشان می‌شود و محافظت از سلامت جسمی و روحی کارگران نه‌تنها از جنبه‌ی انسانی اهمیت دارد، بلکه منجر به افزایش کارایی آن‌ها نیز می‌شود. حق استراحت و اوقات فراغت - که در اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر به آن اشاره شده - همچنان از جمله نگرانی‌های اصلی جنبش‌های کارگری است و از جمله استانداردهای اولیه‌ی محسوب می‌شود که توسط «قانون بین‌المللی کار» تعیین شده است. با توجه به اهمیت این مسئله، در بعضی از کشورها به



عنوان یک حق اساسی شناخته شده و حتی در قوانین اساسی بعضی از کشورها نیز به آن اشاره شده است.

قوانین بین‌الملل / قوانین داخلی

در ماده‌ی ۲۴ اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر به صورت کوتاه و کاملاً شفاف، در راستای حق اشتغال بیان شده است که افراد حق دارند بیش از اندازه کار نکنند و در کنار اشتغال مناسب که تأمین‌کننده‌ی معیشت خود و خانواده‌شان است، وقت کافی برای استراحت و پرداختن به امور شخصی و خانوادگی داشته باشند. این مسئله، حق محدودیت ساعت کاری و همچنین برخورداری از مرخصی با حقوق را شامل می‌شود. همچنین ماده‌ی ۷ میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز بر این موضوع تأکید کرده است.

اما در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، در بند سوم اصل ۴۳ بر «تنظیم برنامه‌ی اقتصادی کشور به صورتی که شکل و محتوا و ساعات کار چنان باشد که هر فرد علاوه بر تأمین شغلی، فرصت و توان کافی برای خودسازی معنوی، سیاسی و اجتماعی و شرکت فعال در رهبری کشور و افزایش مهارت و ابتکار داشته باشد» تأکید شده است. به همین دلیل است که بر اساس قانون کار، ۸ ساعت کار روزانه و در کل ۴۸ ساعت در هفته به عنوان میزان کار مناسب افراد تعیین شده است.

وقتی قوانین ناکارآمد هستند

اگرچه استانداردهای بین‌المللی و همچنین قوانین داخلی به صراحت در مورد محدودیت‌های ساعت کاری و توجه به اوقات استراحت و فراغت کارگران تأکید دارند، ولی در عمل شرایط برای بسیاری از کارگران به گونه‌ای دیگر رقم می‌خورد. به دلیل عدم تناسب منطقی میان حداقل



حقوق با نرخ تورم و افزایش هزینه‌های خانوار، کارگران ناخواسته مجبور به اشتغال در شیفت‌های دوم و سوم کاری یا اضافه کاری در روزهای تعطیل به منظور تأمین معاش خانواده خود هستند؛ که همین امر در درازمدت منجر به اثرات منفی جسمی و روحی بر آنها و خانواده‌هایشان می‌شود.





ماده ۲۵

۱) هرکس حق دارد که سطح زندگی، سلامتی و رفاه خود و خانواده‌اش را از حیث خوراک و مسکن و مراقبت‌های پزشکی و خدمات لازم اجتماعی تأمین کند و همچنین حق دارد که در مواقع بی‌کاری، بیماری، نقص عضو، بیوگی، پیری، یا در تمام موارد

دیگری که به علل خارج از اراده‌ی انسان وسایل امرار معاش از دست رفته باشد، از شرایط آبرومندانه‌ی زندگی برخوردار شود.

۲) مادران و کودکان حق دارند که از کمک و مراقبت ویژه‌ای بهره‌مند شوند. کودکان چه بر اثر ازدواج و چه بدون ازدواج به دنیا آمده باشند، حق دارند که همه از یک نوع حمایت اجتماعی برخوردار شوند.

حق زندگی مناسب

در اسناد بین‌المللی حقوق بشر این حق به رسمیت شناخته شده و در واقع به تنهایی شامل چندین حق گوناگون می‌شود؛ به این صورت که حق برخورداری از وضعیت مناسب برای زندگی (استانداردهای کافی برای زندگی) به معنی برخورداری از حداقل‌های مورد نیاز از غذا، پوشاک، سرپناه، بهداشت و تأمین اجتماعی است.

ماده ۲۵ اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر به روشنی دامنه‌ی این حق را مشخص می‌کند و برخورداری از حداقل‌های استاندارد برای یک زندگی آبرومندانه و انسانی را منوط به تأمین خوراک، مسکن، مراقبت‌های بهداشتی و خدمات تأمین اجتماعی به‌ویژه در شرایط خاص از جمله بی‌کاری، معلولیت، از دست دادن همسر، کهولت و مواردی از این دست می‌کند.



در قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز دولت موظف به فراهم آوردن شغل (اصل ۲۸)، مسکن (اصل ۳۱)، خدمات بهداشتی (اصل ۴۳) و تأمین اجتماعی (اصل ۲۹) مناسب برای تمامی ایرانیان است.

تاریخچه

منبع الهام نویسندگان اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر به منظور گنجاندن «حق داشتن وضعیت مناسب برای زندگی» در متن این اعلامیه را باید در سخنرانی «فرانکلین دلانو روزولت» (رئیس جمهور سابق آمریکا) در مورد آزادی‌های چهارگانه، جستجو کرد. روزولت در آن سخنرانی معروف به ۴ آزادی اساسی برای انسان اشاره داشت: آزادی بیان، آزادی مذهب و عقیده، رهایی از ترس و وحشت، و رهایی از فقر؛ که مورد آخر الهام‌بخش تعیین استانداردهای حداقلی برای زندگی بشر شد.

پیش‌نیاز

تبلور این حق مستلزم اجرا و احقاق حقوق دیگری از جمله حق مالکیت، حق کار، حق آموزش و حق تأمین اجتماعی است. همچنین بعضی سیاستگذاری‌ها از جمله تعیین حداقل دستمزد، نقش مهمی در تضمین برخورداری از حداقل‌های مورد نیاز برای زندگی دارد.

اینکه «حداقل‌های مورد نیاز» یا «استانداردهای کافی» برای یک زندگی چگونه تعریف می‌شود وابسته به شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی هر جامعه است و نمی‌توان میزان ثابت و مشخصی برای آن تعیین کرد. اما تعیین و تعریف آن در نهایت باید به گونه‌ای باشد که فرد همراه با خانواده خود از یک زندگی مبتنی بر شأن و کرامت انسانی در جامعه برخوردار شود.



آیا دولت می‌تواند از احقاق این حق شانه خالی کند؟

از آنجایی که این حق به عکس اصولی مثل «حق حیات» جزو حقوق بنیادی انسان قلمداد نمی‌شود و دولت‌ها الزامی برای اجرای فوری تعهدات خود در این زمینه ندارند، و چون فراهم آوردن زیرساخت‌های لازم از جمله مسکن، تأمین اجتماعی و شغل مناسب، بار اقتصادی سنگینی را به دولت‌ها تحمیل می‌کند، آن‌ها همواره سعی دارند به روش‌ها و بهانه‌های گوناگون از اجرای تعهدات خود شانه خالی کنند.

اما آیا این بهانه‌ها قابل قبول است؟ البته نه! گرچه با توجه به تفاوت بنیادی اقتصادی و توانمندی کشورها در اجرای تعهدات حقوق بشری، جامعه بین‌الملل در بعضی شرایط خاص تاخیر در اجرای تعهدات را می‌پذیرد اما پذیرش این تاخیر منوط به ارائه برنامه‌ی مدون و زمانبندی شده به منظور اجرای تعهدات است و هیچ دولتی نمی‌تواند به بهانه‌های مختلف (از جمله مشکلات اقتصادی) اجرای تعهدات خود در این زمینه را به زمانی نامعلوم موکول کند.



ماده ۲۶



۱) هرکس حق دارد که از آموزش و پرورش بهره‌مند شود. آموزش و پرورش لاقلاً تا حدودی که مربوط به تعلیمات ابتدایی و اساسی است باید مجانی باشد. آموزش ابتدایی باید اجباری باشد. آموزش حرفه‌ای باید عمومیت پیدا کند و آموزش عالی باید با

شرایط تساوی کامل به روی همه باز باشد تا همه بنا به استعداد خود بتوانند از آن بهره‌مند گردند.

۲) آموزش و پرورش باید طوری هدایت شود که شخصیت انسانی هرکس را به حد کمال رشد برساند و احترام حقوق و آزادی‌های بشر را تقویت کند. آموزش و پرورش باید حُسن تفاهم، گذشت و احترام عقاید مخالف و دوستی بین تمام ملل و گروه‌های نژادی یا مذهبی و همچنین توسعه فعالیت‌های ملل متحد را در راه حفظ صلح، تسهیل نماید.

۳) پدر و مادر در انتخاب نوع آموزش و پرورش فرزندان خود نسبت به دیگران اولویت دارند.

حق بر آموزش چیست؟

«حق بر آموزش» به صورت کلی به معنای موارد زیر است:

- وجود تضمین قانونی حق آموزش برای همه بدون هرگونه تبعیض.
- موظف بودن دولت‌ها به رعایت، حمایت و برآورده کردن این حق.
- وجود ابزارهایی به منظور پاسخگو کردن دولت‌ها در شرایط نقض یا اعمال محرومیت بر حق بر آموزش.



این حق در چه اسنادی تضمین شده است؟

در اصل ۲۶ اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر بیان شده است که «هر فردی حق برخورداری از آموزش را دارد.» در بند دوم اصل ۳ قانون اساسی ایران نیز دولت موظف به [فراهم آوردن] آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان برای همه در تمام سطوح، و تسهیل و تعمیم آموزش عالی است. همچنین به دلیل اهمیت این حق، بسیاری از دیگر معاهدات و کنوانسیون‌های بین‌المللی به آن پرداخته‌اند از جمله: کنوانسیون حقوق اقتصادی-اجتماعی و فرهنگی، کنوانسیون حقوق کودکان، و کنوانسیون یونسکو علیه تبعیض آموزشی.

چرا حق آموزش یک حق بنیادی است؟

هم فرد و هم جامعه می‌توانند از این حق بهره‌مند شوند. این حق برای توسعه‌ی انسانی، اجتماعی و اقتصادی امری حیاتی است و همچنین در روند صلح و توسعه‌ی پایدار نقش کلیدی ایفا می‌کند. حق آموزش ابزاری قدرتمند در توسعه‌ی پتانسیل حداکثری هر فرد و تضمین شأن انسانی و ترویج رفاه فردی و جمعی است.

حق آموزش شامل چه مواردی می‌شود؟

- حق بر آموزش ابتدایی رایگان و اجباری برای همگان.
- حق بر آموزش متوسطه‌ی موجود (Available) و در دسترس (Accessible).
- حق بر دسترسی برابر به آموزش دانشگاهی.
- حق بر آموزش ضروری (Fundamental Education) برای افرادی که از آموزش ابتدایی محروم بوده یا نتوانستند آن را تکمیل کنند.
- حق بر آموزش با کیفیت در مدارس عمومی و دولتی.
- آزادی خانواده‌ها برای انتخاب مدارس کودکان، منطبق بر آموزه‌های دینی و اخلاقی خود.



ویژگی‌های اصلی

برای برخورداری کامل از حق آموزش، لازم است که آموزش در تمام اشکال و سطوح از ویژگی‌های زیر برخوردار باشد:

موجود بودن (Available): آموزش باید رایگان باشد و همچنین زیرساخت‌ها و معلمان دوره‌دیده قادر به پشتیبانی از اهداف آموزشی باشند.

در دسترس بودن (Accessible): نظام آموزشی باید مبتنی بر عدم تبعیض و در دسترس همگان باشد، و در راستای پوشش محروم‌ترین اقشار جامعه گام‌های مثبت برداشته شود.

قابل قبول بودن (Acceptable): محتوای آموزشی باید غیرتبعیض‌آمیز و از نظر فرهنگی مناسب باشد. همچنین مدارس باید ایمن بوده و معلمان توانایی لازم برای ارائه‌ی دروس را داشته باشند.

سازگاری (Adaptable): آموزش باید متناسب با تغییر نیازهای جامعه، تکامل و بهبود پیدا کند و موارد نابرابری (مانند تبعیض جنسیتی) را به چالش بکشد. آموزش با توجه به نیازهای ویژه‌ی هر منطقه، سازگاری و تطابق می‌یابد.



ماده ۲۷



۱) هرکس حق دارد آزادانه در زندگی فرهنگی اجتماع شرکت کند، از فنون و هنرها بهره‌مند شود و در پیشرفت علمی و فواید آن سهیم باشد.

۲) هرکس حق دارد از حمایت منابع معنوی و مادی آثار علمی، فرهنگی یا هنری خود برخوردار شود.

حق زندگی فرهنگی، هنری و علمی

شاید بتوان صحنه‌ی شلیک موشک آرپی جی توسط اعضای گروه طالبان به سمت مجسمه‌های عظیم بودا در ولایت «بامیان» افغانستان در سال ۲۰۰۱ که منجر به تخریب و نابودی کامل آن‌ها شد را یکی از دلخراش‌ترین صحنه‌های نابودی بخشی از تاریخ و فرهنگ یک ملت نامید. مجسمه‌های ۱۰ تا ۱۶ طبقه‌ای که برای بیش از ۱۵ قرن در غرب کابل شاهدهی بودند بر آنچه که به سر این کشور و ملت آمده بود. طی جنگ بوسنی در سال ۱۹۹۳ نیز پل زیبای Stari Most که متعلق به دوران امپراتوری عثمانی بود، توسط آتش توپخانه به عمد مورد هدف قرار گرفت و این پل ۴۲۷ ساله ویران شد.

نیروهای مهاجم معمولاً به قصد تخریب روحیه‌ی غیرنظامیان یا نیروهای مخالف، عامدانه دست به تخریب نمادها و میراث فرهنگی آن‌ها می‌زنند. ماده ۲۷ اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر بستری را فراهم آورده است تا این عمل به عنوان «جنایت جنگی» شناخته شود. این ماده شامل حق افراد و جوامع در شناخت، درک، بازدید، استفاده، حفظ، تبادل و توسعه میراث فرهنگی و علمی و همچنین بهره‌مندی از میراث و دستاوردهای علمی و فرهنگی دیگران است. دیگر حقوق از جمله: آزادی بیان، حق دسترسی به اطلاعات و حق بر آموزش، جزو حقوق کلیدی در تحقق



حقوق فرهنگی هستند. با این وجود درجات مختلفی از حقوق فرهنگی ممکن است به رسمیت شناخته شود، زیرا این حقوق نمی‌تواند به عنوان توجیهی برای محدود کردن سایر حقوق بشر مندرج در حقوق بین‌الملل مورد استفاده قرار گیرد.

جنایت جنگی

در یکی از مهم‌ترین محاکمه‌ها که نقطه‌ی عطفی در مجازات ناقضان حقوق بشر بود، در سپتامبر سال ۲۰۱۶ دیوان بین‌المللی کیفری اعلام کرد که «[احمد الفقیه المهدی](#)» عضو گروه مسلح «انصارالدین» در کشور مالی، به دلیل حمله و تخریب اماکن تاریخی و مذهبی این کشور مجرم شناخته شده و مرتکب جنایت جنگی شده است. او به ۹ سال زندان محکوم شد.

برای نخستین بار بود که تخریب اماکن فرهنگی، از سوی دیوان بین‌المللی کیفری تحت عنوان جنایت جنگی تحت تعقیب قرار می‌گرفت و این امید را ایجاد می‌کرد که در آینده شاهد تداوم چنین روندی باشیم. به‌ویژه در شرایطی که گروه «داعش» در عراق و سوریه عامدانه به تخریب و از میان بردن اماکن مذهبی و تاریخی این کشورها دست زدند. خانم «کریمه بنونه» گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد در زمینه‌ی حقوق فرهنگی، معتقد است که «تخریب اموال فرهنگی با نیت و قصد تبعیض‌آمیز می‌تواند نوعی جنایت علیه بشریت تلقی شود» و همچنین با توجه به کنوانسیون «جلوگیری و مجازات جنایت نسل‌کشی» تخریب عمدی اماکن و نمادهای فرهنگی و مذهبی می‌تواند گواهی از نابودی عمدی یک گروه از انسان‌ها تلقی شود.

حقوق اقلیت‌ها

با توجه به متن ماده ۲۷ اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر، پیش‌نیاز لازم برای اعمال این ماده اطمینان داشتن از وجود شرایط لازم برای هر فرد است تا به طور مداوم درگیر تفکر انتقادی باشد و بدون در نظر گرفتن محدودیت‌ها و خط‌قرمزها، فرصت کند و کاو، تحقیق و مشارکت در ایده‌ها را



داشته باشد. این مسئله بیش تر ناظر بر حقوق اقلیت‌ها در یک کشور است. به این منظور ماده ۲۷ تلاش دارد تا از گروه‌های اقلیت (قومی، مذهبی، زبانی و...) در مقابل هرگونه از اشکال شدید ادغام‌شدگی در جامعه، حمایت کند. هرچند ماده جداگانه‌ای در مورد حقوق گروه‌های اقلیت در اعلامیه‌ی جهانی وجود ندارد اما واژه‌ی «فرهنگ» به «سبک زندگی» اقلیت‌های قومی، مذهبی و زبانی و «حفظ تنوع» در جامعه اشاره دارد.

* ماده ۲۷ با مواد ۲۲ و ۲۹ این اعلامیه که در مورد حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است ارتباط نزدیک دارد و همچنین برای شأن و کرامت و پیشرفت انسان ضروری است.





ماده ۲۸

- هرکس حق دارد برقراری نظم را بخواهد که از لحاظ اجتماعی و بین‌المللی، حقوق و آزادی‌هایی را که در این اعلامیه ذکر گردیده است تأمین کند و آن‌ها را به مورد اجرا بگذارد.

حق داشتن جهانی آزاد و عادلانه

اعلامیه جهانی حقوق بشر در فاصله‌ی زمانی سال‌های ۱۹۴۶ تا ۱۹۴۸ میلادی تهیه شد که گرچه متأثر از فضای خوش‌بینانه‌ی تحولات مثبت پیش‌رو بود اما همچنان سنگینی سایه‌ی فجایع ۳۰ سال گذشته، ۲ جنگ جهانی و دوران رکود بزرگ را بر خود حس می‌کرد. از نگاه نویسندگان اعلامیه‌ی جهانی، احترام به حقوق بشر به منظور ایجاد فرصت‌های همگانی برای بهبود شرایط زندگی، مستلزم شکل‌گیری صلح جهانی بود.

«رنه کاسین» حقوقدان و قاضی فرانسوی و یکی از اندیشمندان فعال در روند تهیه اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر، این ماده را یکی از ستون‌های سه‌گانه‌ی (مواد ۲۸، ۲۹ و ۳۰) می‌داند که تمام بیانیه را به هم پیوند می‌دهند.

طی دهه‌های پس از تصویب اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر در سال ۱۹۴۸، پذیرش عمومی وجود داشته که یکی از مسیرهای اساسی دستیابی به «جهان آزاد و عادلانه» (و حفظ صلح) همکاری و مشارکت بین‌المللی است. در سال ۱۹۶۶ کشورهای جهان با همکاری یکدیگر ۲ سند مهم حقوق بشری دیگر، یعنی «میثاق حقوق مدنی و سیاسی» و «میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی» را به تصویب رساندند که به همراه اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر، منشور حقوق بین‌الملل (International Bill of Rights) را تشکیل دادند.



حتی در جریان جنگ سرد نیز اسناد و معاهده‌های حقوق بشری بیشتری به تصویب رسید، از جمله: کنوانسیون محو تمامی اشکال تبعیض نژادی (سال ۱۹۶۵)، کنوانسیون محو تمامی اشکال تبعیض علیه زنان (۱۹۷۹)، کنوانسیون علیه شکنجه (۱۹۸۴) و کنوانسیون حقوق کودک (۱۹۸۹). همه‌ی این قوانین الزام‌آور، ریشه در اصولی دارند که سال‌های قبل در اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر بیان شده بودند.

با این حال، در سال‌های اخیر به دلیل اینکه برخی کشورها آشکارا منافع ملی خود را بر رفاه نوع بشر ترجیح می‌دهند، اعتقاد به چندجانبه‌گرایی در حال از میان رفتن است. همان‌طور که «میشل باشله» کمیسر عالی حقوق بشر می‌گوید: «خطر بزرگی که امروز شاهد آن هستیم، تلاش برای تضعیف و حتی کنار گذاشتن کل چارچوب چندجانبه^۷ است که برای حمایت از حقوق بشر و جلوگیری از درگیری طراحی شده است. تعداد فزاینده‌ای از رهبران دیگر تظاهر نمی‌کنند که به حقوق بشر اهمیت می‌دهند، و به دنبال سرکوب جامعه مدنی هستند و اغلب از امنیت ملی به عنوان بهانه استفاده می‌کنند.»

از زاویه‌ی نگاه «کریستین لاگارد» رئیس صندوق بین‌المللی پول، سوالی که پیش روی رهبران جهان قرار دارد این است که: «آیا ما به عنوان یک خانواده‌ی جهانی با یکدیگر همکاری می‌کنیم یا در سنگرهای جزیره‌ای با یکدیگر مقابله می‌کنیم؟ آیا ما دوست هستیم یا دشمن؟» او پیشنهاد کرد که پاسخ «تجدید تعهد به همکاری بین‌المللی» است: «قرار دادن منافع جهانی بر منافع شخصی، در مسیر چندجانبه‌گرایی.»

ناسیونالیسم تهاجمی بر احترام به حقوق بشر تأثیر دارد. حق داشتن جهانی آزاد و منصفانه مستلزم نیاز حیاتی برای ارتقاء برابری فرصت‌ها در داخل و بین کشورها است. به عقیده آقای «سعد الفرارگی»^۸ کارشناس حقوق توسعه سازمان ملل: «نابرابری و تبعیض پاره‌ای از چالش‌های

^۷ Multilateral framework

^۸ Saad Alfaragi



تعیین‌کننده‌ای است که جهان امروز با آن مواجه است، جهانی که ثروتمندتر و در عین حال نابرابرتر از همیشه است.»

نهادهای حقوق بشر سازمان ملل متحد و کارشناسان مستقل حقوق بشر و حتی گاهی اوقات افرادی که با آن‌ها همکاری می‌کنند، یعنی ابزارهای مهم برای تحقق نظم بین‌المللی که ماده ۲۸ از آن صحبت می‌کند، به طور فزاینده‌ای مورد حمله قرار می‌گیرند. «یانگی لی»^۹ گزارشگر ویژه سازمان ملل در امور «میانمار» که خود مورد تهدید قرار گرفته است، در سال ۲۰۱۸ به مجمع عمومی اطلاع داد افرادی که در جریان سفرهایش به میانمار با او صحبت کرده بودند با عواقب جدی مواجه شده‌اند. تجربه‌ای که از سوی تعداد دیگری از گزارشگران ویژه سازمان ملل متحد به اشتراک گذاشته شده، گواه نادیده گرفتن آشکار تعهدات دولت‌ها برای همکاری با مکانیسم‌هایی است که خود دولت‌ها در قالب شورای حقوق بشر ایجاد کرده‌اند.

^۹ Yanghee Lee





ماده ۲۹

۱) هرکس در مقابل آن جامعه‌ای وظیفه دارد که رشد آزاد و کامل شخصیت او را میسر سازد.

۲) هرکس در اجرای حقوق و استفاده از آزادی‌های خود فقط تابع محدودیت‌هایی است که به وسیله‌ی قانون منحصرأ به منظور

تأمین شناسایی و مراعات حقوق و آزادی‌های دیگران و برای رعایت مقتضیات صحیح اخلاقی و نظم عمومی و رفاه همگانی در شرایط یک جامعه‌ی دموکراتیک وضع گردیده است.

۳) این حقوق و آزادی‌ها در هیچ موردی نمی‌تواند خلاف مقاصد و اصول ملل متحد اجرا گردد.

وظایف ما در برابر جامعه

تا اینجا، اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر بر حقوقی متمرکز شده که هر شخص به صرف انسان بودن از آن‌ها برخوردار است. و حالا در ماده ۲۹ اعلامیه می‌گویند که متعاقب برخورداری از حقوق، یک سری وظایف نیز بر عهده‌ی انسان‌ها است. همه‌ی انسان‌ها در مقابل یکدیگر وظایفی دارند و باید از حقوق و آزادی‌های هم‌دیگر حمایت کنند.



آزادی و مسئولیت

این ماده بر اصل «آزادی و مسئولیت فردی» استوار شده است. یعنی فقط افرادی می‌توانند از آزادی بهره‌مند شوند که توانایی پذیرش مسئولیت آن را نیز داشته باشند. «شناسایی و احترام به حقوق و آزادی‌های دیگران» ۲ جنبه دارد:

۱. مسئولیت‌های فرد در مقابل دیگران و جامعه

۲. محدودیت‌های قانونی که دولت‌ها برای شهروندان خود قائل می‌شوند

بند دوم ماده‌ی ۲۹ به ما یادآوری می‌کند که محدودیت‌های مربوط به حقوق، نه تنها ممکن است بلکه باید مشخص شود.

همچنین در بند سوم تاکید می‌شود که هیچ‌کدام از مقررات اعلامیه نباید به صورتی تفسیر شود که متضمن حقی برای دولتی، جمعیتی یا فردی باشد که به موجب آن بتوانند هر کدام از حقوق و آزادی‌های مندرج در این اعلامیه را از بین ببرند یا بی‌اثر کنند.

ماده‌ی ۲۹ ارتباط عمیقی با بحث «خانواده‌ی بشری» در مقدمه و همچنین «روحیه‌ی برادری» بیان شده در ماده‌ی نخست اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر دارد.

چه وظایفی به عهده‌ی انسان‌ها است؟

از آنجا که انسان به صورت ذاتی موجودی اجتماعی است، نسبت به هم‌نوعان خود وظایفی دارد. البته اعلامیه‌ی جهانی وظایف بشر را مثل حقوق‌اش مشخص نکرده است، به همین دلیل چیزی به نام وظایف بنیادی یا انسانی وجود ندارد. بنابراین هر فهرست وظایفی که از سوی دولت‌ها برای جامعه تعیین می‌شود - چنانکه در قوانین بعضی از کشورها وجود دارد - تا حدودی دل‌بخواهی یا به اصطلاح موضوعی از قوانین داخلی و سیاسی است.



آیا حقوق بشر نامحدود هستند؟

در سطح فردی، مدت‌هاست پذیرفته شده که در هنگام استفاده از حقوق و آزادی‌های خود نباید به حقوق و آزادی‌های دیگران تعدی کنیم. یا به عبارت ساده‌تر: «آزادی من جایی تمام می‌شود که آزادی دیگری شروع می‌شود.»^{۱۰}

در همین راستا، بند دوم ماده‌ی ۲۹ تأکید می‌کند که حقوق بشر بدون محدودیت نیستند. در غیر این صورت توازن و هماهنگی اجتماعی غیرممکن می‌بود. بر همین اساس حقوق بشر فقط به منظور «تأمین حقوق برابر برای همگان» محدود می‌شود.

استثنا بر اعمال محدودیت

از سال ۱۹۴۸ حقوق بین‌الملل تصریح کرد که بعضی از حقوق به هیچ‌وجه نمی‌توانند محدود شوند، مانند: حق بر عدم تبعیض و منع شکنجه. بعضی دیگر از حقوق هم فقط در شرایطی خاص محدود می‌شوند، مانند: حق مالکیت یا حق آزادی رفت و آمد. اما این به معنی آن نیست که هر کشور و دولتی می‌تواند بدون دلیل و ضابطه‌ی مشخص و بنا به توجیه‌هایی که معمولاً دولت‌ها به کار می‌برند (مانند دفاع از امنیت ملی) هر نوع محدودیتی را بر حقوق اعمال کنند؛ بلکه محدودیت‌ها فقط باید بر اساس قوانین تجویز و اعمال شوند و همچنین در راستای اصول و قواعد بین‌المللی و نیز از نظر شدت باید متناسب با اهداف تعیین شده باشند. به عنوان مثال نمی‌توان به بهانه‌ی «مبارزه با تروریسم» حقوق و آزادی‌های مردم را به صورت کلی و متناوب نقض کرد، مانند آنچه که توسط دولت چین علیه اقلیت مسلمان در استان «سین کیانگ» اعمال می‌شود.

^{۱۰} منتسکیو در کتاب «روح القوانين»





ماده‌ی ۳۰

- هیچ‌یک از مقررات اعلامیه‌ی حاضر نباید به صورتی تفسیر شود که متضمن حقی برای دولتی یا جمعیتی یا فردی باشد که به موجب آن بتواند هر یک از حقوق و آزادی‌های مندرج در این اعلامیه را از بین ببرند یا در آن خللی وارد کنند.

حقوق تفکیک‌ناپذیر هستند

از «الیزابت فوراً سندستروم» قاضی دادگاه اروپایی حقوق بشر، پرسیده شد که کدام‌یک از حقوق مندرج در اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر (UDHR) مهم‌تر است: «زندگی؟ آزادی؟ دموکراسی؟» او پاسخ داد: «امیدوارم هرگز نیازی به انتخاب نداشته باشم!»

این ایده که حقوق غیرقابل تقسیم است، در قلب ماده ۳۰ قرار دارد. تمام حقوق مندرج در اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر به یکدیگر مرتبط هستند و به یک اندازه اهمیت دارند. همه‌ی آن‌ها باید دنبال شوند، و هیچ‌یک بر دیگری برتری ندارد. این حقوق ذاتی هر زن، مرد و کودک است؛ بنابراین نمی‌توان آن‌ها را اولویت‌بندی یا به صورت جداگانه اعمال کرد.

به عقیده‌ی «رنه کاسین»^{۱۱} کسی که پیش‌نویس اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر را آماده کرد، این اعلامیه را می‌توان به عنوان رواق یک معبد یونانی تصور کرد؛ هر یک از عناصر را که بردارید، رواق فرو می‌ریزد. و این مواد ۲۸ تا ۳۰ است که کل ساختار را به هم پیوند می‌دهد.

^{۱۱} René Cassin



ماده ۳۰ «حدود ظالمان» (limits on tyrants) نامیده شده است. این ماده به همه‌ی ما آزادی از دخالت دولت یا دخالت شخصی در حقوق مندرج در تمامی مواد قبل می‌دهد. با این حال، همچنین تاکید می‌کند که ما نمی‌توانیم از این حقوق در مسیری استفاده کنیم که در تضاد با اهداف سازمان ملل است. در سایه‌ی جنگ جهانی دوم، طراحان پیش‌نویس می‌خواستند در آلمان مانع از بازگشت فاشیست‌ها به قدرت شوند که در تلاش بودند با بهره‌گیری از آزادی بیان و آزادی نامزدی در انتخابات، به قیمت سایر حقوق و آزادی‌ها به قدرت بازگردند. آن‌ها کاملاً آگاه بودند که بسیاری از جنایات انجام شده توسط رژیم هیتلر مبتنی بر یک سیستم حقوقی کارآمد بود؛ اما با قوانینی که حقوق اولیه‌ی بشر را نقض می‌کرد. طراحان پیش‌نویس به دنبال یک چارچوب حقوقی بین‌المللی برای محافظت در برابر افراط و تفریط کشورها و جلوگیری از جنگ یا «هولوکاست» دیگر بودند. آن‌ها معتقد بودند کشورهایی که با شهروندان خود به خوبی رفتار می‌کنند، کم‌تر احتمال دارد که طرح‌های تهاجمی علیه سایر کشورها داشته باشند. حاصل دسترنج آن‌ها یک دستاورد شگفت‌انگیز بود. در بحبوحه بهبودی پس از جنگ جهانی و در آغاز جنگ سرد، در حالی که سازمان ملل در مراحل ابتدایی خود بود، طراحان پیش‌نویس اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر موفق شدند روی متنی به توافق برسند که تا حد بی‌سابقه‌ای - و نه به طور کامل - در روابط بین‌الملل از تفاوت‌های زبان، ملیت و فرهنگ عبور می‌کرد.

عظمت این دستاورد وقتی مشخص می‌شود که توجه کنیم دستیابی به توافق بر سر ۲ سند دیگر (میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی؛ که همراه با اعلامیه‌ی جهانی، منشور بین‌المللی حقوق را تشکیل می‌دهند) ۱۸ سال زمان برد و سپس ۱۱ سال دیگر طول کشید تا کشورهای کافی این میثاق‌ها را تصویب و آن‌ها را اجرایی کنند.

در سال ۱۹۴۸، عموماً به اعلامیه‌ی جهانی به عنوان یک سند اخلاقی و نه یک تعهد حقوقی نگریده می‌شد. با این حال «کنت کارتن دو ویارت»^{۱۲} نخست‌وزیر بلژیک، معتقد بود که

^{۱۲} Count Carton de Wiart



اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر نه تنها یک «ارزش اخلاقی بی سابقه»، بلکه «سرآغاز یک ارزش قانونی» است. کاسین یکی از معماران ارشد اعلامیه، معتقد بود که این سند را باید دارای جایگاه قانونی در نظر گرفت، زیرا این اولین اعلامیه توسط یک گروه بین‌المللی بود که «صلاحیت قانونی» خود را داشت.

از آنجا که اعلامیه‌ی جهانی یک معاهده نیست، به طور مستقیم برای کشورها تعهدات قانونی ایجاد نمی‌کند. با این حال، به عنوان تجلی ارزش‌های اساسی که بین همه‌ی اعضای جامعه بین‌المللی مشترک است، عمیقاً بر توسعه‌ی قوانین حقوق بشر تأثیر گذاشت. مفاد آن توسط تعدادی از اسناد بین‌المللی به شکل استنادانه‌ای شرح و بسط داده شد، از جمله کنوانسیون رفع همه اشکال تبعیض علیه زنان (۱۹۷۹)، کنوانسیون علیه شکنجه و سایر رفتارها یا مجازات‌های ظالمانه، غیرانسانی یا تحقیرآمیز (۱۹۸۴)، و کنوانسیون حقوق کودک (۱۹۸۹).

گروهی استدلال می‌کنند از آنجا که کشورها به طور مداوم در طول دهه‌ها به این اعلامیه استناد کرده‌اند، پاره‌ای از اجزای آن به حقوق بین‌الملل عرفی تبدیل شده‌اند و بسیاری از دانشگاهیان و حقوقدانان بر این عقیده‌اند که بنابراین آن‌ها الزام‌آور هستند. برای مثال: ممنوعیت کامل شکنجه. اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر یک اساس فوق‌العاده انعطاف‌پذیر برای گسترش و تعمیق مفهوم حقوق بشر است. امروزه اعلامیه در قوانین و بنیان سازمان‌های بین‌دولتی منطقه‌ای و سازمان‌های غیردولتی و مدافعان حقوق بشر در همه‌جا گنجانده شده است. اما این واقعیت که بعضی حقوقدانان این اعلامیه را از نظر قانونی لازم‌الاجرا می‌دانند، البته به معنای رعایت یکسان آن نیست.

با این وجود در طول ۷۰ سال گذشته پیشرفت قابل توجهی وجود داشته است. میشل باشله کمیسر عالی حقوق بشر سازمان ملل، در این باره می‌گوید: «در سطح جهان، زندگی بشر از جمله در بهداشت و آموزش بسیار بهبود یافته است. دولت‌ها درک خود را از نحوه‌ی خدمت به مردم خود افزایش داده‌اند. کسب‌وکارها به وظایف خود در قبال حمایت از حقوق بشر و پیش‌گیری از تخلفات واقف هستند.»



شاید النور روزولت، قهرمان خستگی‌ناپذیر حقوق بشر که فرآیند تهیه‌ی پیش‌نویس را هدایت می‌کرد، اهداف و تأثیر اعلامیه را به بهترین نحو بیان کرده است. او از مخاطبان می‌پرسید که حقوق جهانی بشر از کجا شروع می‌شود؟ پاسخ او: «در مکان‌های کوچک، نزدیک به خانه. آن قدر نزدیک و آن قدر کوچک که در هیچ نقشه‌ای از جهان دیده نمی‌شوند. چنین جاهایی است که هر مرد و زن و کودکی بدون تبعیض به دنبال عدالت برابر، فرصت برابر و کرامت برابر هستند. مگر اینکه این حقوق در آنجا معنا پیدا کند، در هیچ کجا معنایی ندارد.»

امروز پس از ۷۰ سال، اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر ترجمه‌شده‌ترین سند در جهان، هنوز نیرویی پر جنب‌وجوش برای همه‌ی مردم روستاها و شهرهای سراسر جهان است که بدون اینکه لزوماً بدانند این همان کاری است که انجام می‌دهند، مبارزه می‌کنند تا حقوق بشر را در زندگی روزمره خود در جوامع خود به واقعیت تبدیل کنند.



منابع:

- http://www.theadvocatesforhumanrights.org/what_is_human_rights_education
- <https://www.coe.int/en/web/compass/human-rights-activism-and-the-role-of-ngos#What%20are%20NGOs>
- <http://www.standup4humanrights.org>
- <https://www.dmeforpeace.org/wp-content/uploads/2017/09/Supriya-Biswas-World-Around-Us-1-800x618.jpg>
- https://vid.alarabiya.net/images/2016/11/05/5ad22463-432b-4128-ad40-c4efc6849d87/5ad22463-432b-4128-ad40-c4efc6849d87_16x9_788x442.jpg
- <https://rightsinfo.org/explainer-right-life-matter>
- https://en.wikipedia.org/wiki/Slavery_Abolition_Act_1833
- <https://www.equalityhumanrights.com/en/human-rights-act/article-4-freedom-slavery-and-forced-labour>
- <https://www.ohchr.org/Documents/Issues/Disappearances/GCRecognition.pdf>
- https://en.wikipedia.org/wiki/Equality_before_the_law
- <https://www.un.org/ruleoflaw/thematic-areas/access-to-justice-and-rule-of-law-institutions/access-to-justice/>
- <https://www.usip.org/guiding-principles-stabilization-and-reconstruction-the-web-version/rule-law/access-justice>
- https://en.wikipedia.org/wiki/Presumption_of_innocence
- <https://link.springer.com/article/10.1007/s11572-013-9233-x>
- https://en.wikipedia.org/wiki/Right_to_privacy
- <https://www.humanrights.gov.au/our-work/rights-and-freedoms/freedom-movement>
- <https://www.refworld.org/pdfid/45139c394.pdf>
- <https://www.amnesty.org.au/refugee-and-an-asylum-seeker-difference/>
- <https://ijrcenter.org/refugee-law/>
- <https://www.equalrightstrust.org/ertdocumentbank/general%20comment%202019.pdf>
- <https://www.equalrightstrust.org/ertdocumentbank/general%20comment%2022.pdf>
- <https://www.equalityhumanrights.com/en/human-rights-act/article-9-freedom-thought-belief-and-religion>
- http://www.claiminghumanrights.org/thought_religion_definition.html
- <https://humanrightshouse.org/we-stand-for/freedom-of-assembly>



<https://www.osce.org/odihr/7340f?download=true>

<https://www.escr-net.org/rights/social-security>

<http://ensani.ir/file/download/article/20160829125414-9625-229.pdf>

http://ccnmtl.columbia.edu/projects/mmt/udhr/article_24.html

<https://blogs.lawrence.edu/vcsc/2011/10/with-dignity-the-right-to-rest-and-leisure.html>

<https://www.right-to-education.org/page/understanding-education-right>

<http://www.pezhvakeiran.com/maghaleh-94929.html>

http://ccnmtl.columbia.edu/projects/mmt/udhr/article_29.html

<https://www.coe.int/en/web/compass/what-are-human-rights-#Key%20values>

<https://www.ohchr.org/EN/Issues/Pages/HRElections.aspx>

<https://www.aibd.org.my/node/1081>

http://www.unesco.org/culture/culture-sector-knowledge-management-tools/10_Info%20Sheet_Right%20to%20Culture.pdf

منبع عکس‌ها:

<https://www.irishtimes.com/news/world/what-are-the-30-rights-in-the-universal-declaration-of-human-rights-1.3726072>



